

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۷ - مرداد ماه ۱۳۵۶

نوظلم‌های عد کارگری در رابطه با بحران برق

رسوائی برق و حقایق پشت پرده

رسوائی برق که امروز ابعاد فاجعه آمیز آن گسترده تر میشود، برای مردم پرطمح و از رنگ و ریشه فاسدی که چون باد بک خود را با باد تبلیغات و پاورسانی‌ها انباشته است، نه تنها يك روشكستی سیاسی بلکه فراتر از آن يك روشكستی کامل ایدئولوژیک است.

— کلا مبارزه احترام بردارید. به دروازه تمدن بزرگ آریامپری رسیدیم !!
بقیه در صفحه ۷

نامه‌های اعتراضی و خواست‌های ملی

پد نهال ناصحای پروسو صد ایدئولوژی
علی اصغر حاج صید جواد ی و د کستر
مهدی بهار که سند محکومیت روشكستی
رهم ضد خلق شاه را به ملت ایران
عرضه نهد اشتند، این روزها ناصحان
اصلا صیهای بسیاری از جانب جمعیها
و افراد سرشناس و معتوقین برخاسته
منتشر میشود. از این جمله است بیانیه
افشاگری که با اطمینان ۶۴ تن از قضات
و کلاهی دادگستری ایران منتشر شده
که ضمن انتقاد به لوایح شفروده جدید
دادگستری که بر خلاف اصل صریح قانون
اساسی، قوه قضائیه را به زیر یوغ قوه
مجریه میکشد، استقلال و اعتبار دوباره
قوه قضائیه را خولستار شده اند.

شخصیت‌های معتبر قضائی ایران در
این بیانیه خود را برای احیاء نهاد
استقلال و حرمت و اعتبار قضائی و
اتحلال مراجع اختصاصی نادرسی ارتش
باتاکید بسیار طزم و وضهت میداند.
وکلای آزاد بخوانند گسترش یافته اند.

بقیه در صفحه ۲

در صدای اعتراضی تازه‌ای که بگوش میرسد
نشانه طغیان و بهتایی قشرها و گروههای
جدیدی است که بعد یواز اختناق مشت میکنند
ناراضیان روز به روز بیشتر میشوند. پایگاههای
رهم تنگ تر میگردد و فریادهای صیوان آج و
تهاجم بیشتری صیابند. رهم دیکتاتوری صتکی
به سر نیزه و شکجه و زندان، د چهار سو درگی و
نگرانی شده است و در برابر موج‌های رهم خیز
و بیایی خواستهای ملی که در راس‌های آنها
مطالبه آزادیهای فردی و جمعی، احیای قانون
اساسی و بازگشت شروط طموه به زنجیر انداختن
گرف خون آشام ساواک، قرار دورد و تسن به
عقب نشینی همائی میدهد. ضرورت تشکیل
موشیاری و شکستن حصارهای ترس و وحشتی
که سازمان جهنمی اضیت شاه سالها آن را
پاسداری کرده است، به پیش از هر وقت دیگر
احساس میشود.

در این اوضاع و احوال ناهای سرگشت
اعتراضی روشنفکران و ناراضیان که قلب بخشی
از صائب ملی و تحصیل ستی را که بر مردم
میروند افشا میکنند، چون روزهای زرد دسته
دست میگردد.

بصران بر سخن

مسائل کارگری

پس از وقفه کوتاهی که بواسطه برخی
فعل و انفعالات و تصمیم‌های ناسد
کارگری تازه در وزارت کار، همراه بسیار
د دشمنانه ترین فشارهای پلیسی و اختناق
بر مصیبت کارگری و ولتزم ارزهای شرایط
تازه به نظر می‌افتد، بهترین شیوه‌های
مبارزه و در جنبش‌های گستر کارگری ایران
پیش آمد، امواج تازه اعتراضی و انتصاب
واحد‌های صنعتی کشور را در پی نوردند.
پد نهال د صیها و انتصاب
بزرگ و کوچک کارگری در سال گذشته
طریض هجوم و سرکوب و حشمانه مأموران
جنایتکار رهم و برخی از آنها به سر
رسید، رهم محمد کارگری شاه کوشید با کتا
شتن ضوچه‌ها ازین مأمور شناخته شده
ساواک در راس وزارت کار و طرح پلترشته
تد ابیر خشن و تمد انیسانی را صیها بر سر
توان و اوج گیر جنبش انتصاب و مطالباتی
کارگران رساند کند. از جمله این تد ابیر و
محدود کردن ضاصیات و تناس‌های کارگر
در هر واحد صنعتی تا آنجا که در برخی
از کارخانه‌ها بین کارگرانی که بر روی
ماشین‌های مختلف در یک سالن و در زیر
یک سقف کار میکردند حصار طوری کشیدند
و برای جلوگیری از تناس آنها مأموران ویژه
گماردند و ساعات غذای کارگران بخشهای
مختلف را هم جدا کردند تا از هرگونه تناس
آنها جلوگیری کنند، ایجاد کار حفاظتی
در هر کارخانه به منظور سرکوب فوری هر
گونه حرکت اعتراضی و انتصابی و تشدید
فشار و خضوت نسبت به کارگران را میتوان
ناچرد.

اما تصمیمات ضد کارگری رهم در صیها
متوقف نهد. از اواسط نیمه دوم سال
گذشته جلسات ضد ملی از کارفرمایان در
وزارت کار با حضور ضوچه‌ها ازین برپا شد
تا تد ابیری خشن تری علیه جنبش مطالباتی
بقیه در صفحه ۱۱

نامه‌های اعتراضی...

"باید قوه مقننه با انجام انتخابات واقعا آزاد و فارغ از بهم و هراس از قید سلطه قوه مجریه خارج شود... و حقوق و آزادیهای ملت ایران به ویژه آزادی بیان و نظم و اجتماعات به معنی واقعی محترم شمرده شود."

و کلمات دادگستری تصریح کرده اند: "قوه مجریه باید اعمال اقتدارات خود را در حدود اصول قانون اساسی اعمال کند و خود را در برابر قوه مقننه و قوه قضائیه مسئول و جوابگو بداند."

نهضت را در یکال ایران نیز در این اعلامیه‌های کهنه تاریخ ۳۰ تیرماه منتشر کرده. ضمن بررسی حرکات و تظاهرات ملی در ماههای اخیر برای احاده قانون و آزادی و خواستهای خود را بشرح زیر کلاسه کرده است:

۱- آزادی کامل اجتماعات و مطبوعات، لغو سانسور و تصمیم حقوق اجتماعی و سیاسی ملت پر دستگامهای خبیری دولت از جمله رادیو و تلویزیون.

۲- انحلال مجلسین و تدارک انجام انتخابات آزاد و قانونی و انصراف از حزب واحد.

۳- تأمین استقلال قوه قضائیه بر اساس موازین قانون اساسی.

۴- آزادی زندانیان و تمهید بیهای سیاسی و احاده حیثیت از آنها...

ناگه‌های بسیار دیگری نیز بر این روال منتشر شده است که از این مجموعه قسمتهایی از نامه‌های احمد صدر، ما دستک سابق تهران و وکیل دادگستری، دکتر سنجایی، داریوش فروهر، دکتر بختیار (از رهبران جبهه ملی) و سررکنگهاز-نشسته امیر رحیمی و نیز نامه سرکشاده کاتبین نویسنده گمان ایران به اطمینان، تن از نویسندگان و شعرا و ترجمان کشور که معتبرترین نمایندگان هنر و ادب امروز ایران اند و بر صفحات ۷ تا ۷ همین شماره "نویید" چاپ شده است.

پسپسچه های مردم

صبح يك روز تابستاني . تاكسي پشت چراغ قرمز مي ايستد راننده تاكسي چشمش به يك مرد اي زلپني و راننده آن كه يك فليپيني است مي افتد:

راننده: فلان فلان شده ما پول اين صلكت را ميگيريد و عشق ميكنند و به ريشها مردم ميخندند.

مسافر ۱: چه بگويم! ما راننده هاي بيهاياني از دستايين خارجي ها در خراب هستيم. راننده هاي خارجي ماهي ۸ هزار تومان ميگيرند و تازه تمام مخارجش را هم به آنها ميدهند و آنها فقط رانندگي صي كنند و اما ما كه تصديقي يك داريم ماهي هزار - تومان ميگيريم و خرجمان پاي خودمان است - مكانيكی ماشين هم با خودمان.

مسافر ۲: تازه يك چيز هم از ما طلبكارند. آنگاه راننده شهر داريم. ۶ ماهه كه حقوقم را اينافكرده اند اما مهندسي گرفتيم ما ست اينافه حقوق من و رفقا ي مرا بالا كشيده و ما هم كاري از دستمان برني آيد مخصوصا ميخواهند كه ما هم دنبال رشويونگراهاي آنجاني برويم چون كه دلشان ميخواهد مردم - سرشان به بيك كاري گرم باشد.

مسافر ۱: آقا از اين حرفها نزنيد بريايتان بد ميشود. مسافر ۲: بالا تراز سباعي كه رنگي نيست. روزگار ما هم كه از سياه سياهتر است.

مسافر ۱: تصوير خودمان است. ماها هم متحد نيستيم و هر كاري كردند هيچي نيگوييم. بايد دست بكاري بزنيم. (بناصخر) طر خود شاه ننگه كبراي گرفتن حقاقت مي توانيد اهتمام كنيد! حالا ما هم بايد - اهتمام كنيم و نه اينكه فقط حرف بزنيم.

مسافر ۳: اي آقا! (با صد اي آخته) اين شركتهاي حطل و نقل و تمام شركت هاي بزرگ مال شامو برادر و خواهرش است. هيچكس جرأت حرف زدن ندارد.

مسافر ۱: من بايد ده روز در بندر توي نوبت بخوابم تا بار به من بد دهند اما ماشينهاي شامو غلامرثا كه از راه ميروند فورا بارگيري ميكنند. عجب ملكستي است.

راننده: آقا به خدا تصوير خودمان است. نبايد بگذاريم اين طور باشد!

مسافر ۲: تصوير همه است. بايد با هم يكي باشيم و نترسيم. (بحث گرم است اما تاكسي به مقصد رسيد و بايد بنباد شد)

دشمن مردم حيلهگر و قسي و پشتيبانان جهاني آن آرزند و زير ضدند. تنها بازو هاي متحد همه مخالفان رژيم مي توانند چنين دشمني را در هم شكند. تصرف نيمرو عاي مخالف رژيم ارتجاعلي بهترين "ارصافان" به اين رژيم است. در راه وحدت عمل همه نيمرو ها و عناصر ضد رژيم از هيچ كوشش و نيمروختي دريغ نكنيم

☆ ايجاد جبهه ضد ديكتاتوري شرط اساسي برانده اخشن رژيم استبدادي شاه است ☆

مرگ مشکوک یک آزادبخواه

ماه اعلام شده بود به تعویق افتاده است .
 اما در بسیاری از شهرهای ایران مردم علیرغم مخالفت ساواک مجلس ختم دکتر علی شریعتی را برگزار کردند . در شیراز دانشجویان در یکی از مساجد در افتاده مجلس ختم گرفتند و ضمن پخش اعلامیه و دادن شعار، مجلس ختم را به اجتماع تبدیل کردند و خفقان تبدیل کردند . در این ماجرا مأموران شهرستانی و ساواک تعدادی از شرکت کنندگان مجلس ختم را دستگیر کردند .

در مشهد نیز مجلس یادبودی در محاصره کامل یک نیروی بزرگ و مسلح به سپرهای مخصوص ، مسلسل و بی مهم تشکیل شد که سرانجام آن به زد و خورد مردم خشکین با نیروهای انتظامی کشید . تمام خیابانهای محلات اطراف مجلس یاد بود بوسیله پلیس مسلح قرق شده بود .

علاوه بر اینها از جانب دکتر علی اصغر حاج سید جوادی نویسنده معروف ، اعلامیه‌های در سوگ مرگ دکتر علی شریعتی منتشر شد که از جمله در آن چنین آمده است :

برادر گرامی من دکتر علی شریعتی به شهادت رسید و او به پیروی او شریعت‌حقیق‌اسلامی در سالهای شگوفایی عمر کوتاه خود و در همه دقایق و لحظاتی که نهضت زندگی او در دوران حیات پر پرکشش، زد شهید زمان خود بود شهادت به تعبیر اسلام و در ادراک بی‌کرانه و فیاض علی شریعتی نه در ایشان جان و مرگ در میدان نبود بلکه در حنر و در زندگی زمانه و رنج و محنتی است که از ...
 رهگذر استبداد و ستم ظالمان و سالوس‌ریاکاران وفارت زبانه‌وزان بر مردم به‌نوا می‌رسد . . . او در زمینه این جهات انسانی تبلور زنده یک است بود ، زبان و ظم او در چرخش بهد ادکبی و ظلم و ستم نظام استبداد تیغی بران والامای درخشان و حجتی قاطع بود . . . راه او راه جاویدان حق و حقیقت و جهاد بر علیه ظلم و ستمگری بود . . .
 من به خانواده او تسلیت نمی‌گویم بلکه برای عزیزان او و همه فرزندان بافضیلت و دانا خود آرزو می‌کنم که همچون دکتر شریعتی پیوسته شاگرد زنده و شهید جاوید زمان خود باشند .

هزارها نفر در زندانهای شاه در سراسر کشور در بندند ، در شکنجه‌گاههای " کهنه " و " آهین " و " اطاقهای تشییت " مراکز ساواک به وحشیانه ترین شکنج عذاب می‌بینند و تحقیر میشوند . برای چه ؟ برای چه خواست عدالت اجتماعی ، دموکراسی و استقلال کشور ما . وظیفه ماست که از این مبارزان خلق دفاع کنیم

مرگ ناظظه دکتر علی شریعتی ، جامعه شناس معروف اسلامی و مبارز آزادبخواه و استاد دانشگاه ، موجی از خشم و انزجار راهلیه رژیم سفاک و خون آشام شاه - ساواک برانگیخت . دکتر شریعتی حدود بیست روز قبل از مرگش با گذرنامه‌ای که تنها نام " منینانی " (دنباله نام فاضلش) را داشت موفق شده بود ساواک را بفریبد و از کشور خارج شود . وقتی ساواک به این امر پی برد شدت خشمگین شد و یکی دو هفته بعد که هصر و دختران شریعتی میخواستند به شوهر و بدر خود - بپیوندند از خروج هصر او از کشور جلوگیری کرد . این امر خود با توجه به مشارکت و همکاری پلیس درنده شاه با پلیس انگلیس شایعه دست داشتن ساواک را در مرگ ناظظه - دکتر شریعتی دامن زده است ، بجزه که دکتر شریعتی یکی از مخالفان فعال رژیم استبدادی شاه بود و در میان صلحانان شرقی و روشنفکران آزادبخواه هواداران بسیار داشت و همین چندی پیش اس از دستها اسارت در شکنجه‌گاههای شاه آزاد شده بود .

بدنبال انتشار خبر شهادت علی شریعتی موجی از - تظاهرات گسترده و خشن و زد و خورد های شدید دانشگاه های ملی و آریامهر و تهران را فرا گرفت . در دانشگاه تهران دانشجویان ضمن دادن شعارهایی تند رژیم با طعنان خود گاه و سفاک و جفاکار شاه به زد و خورد پرداختند .

بعد از ظهر سه شنبه ۳۱ خرداد در مجلس ختمی برای پدر شیخ مجید معادی خواه در مسجد ارک تهران ترتیب یافته بود . مهندس بازرگان در روزنامهها مجلس ترحیم را اعلام کرده بود و صد ها نفر با آشنایی که با شیخ مجید معادی خواه که از روحانیون آزادبخواه و مبارز است و سالها عمر خود را در زندان شاه سری کرده است ، در مسجد ارک جمع شدند . درست در همین روز در روزنامهها اعلام شد که دکتر علی شریعتی ظاهرا بر اثر سکته قلبی در لندن در گذشته است . با پخش این خبر در مسجد غوغایی برپا شد و اکثر کسانی که در مسجد ارک اجتماع کرده بودند یکجا شعار علیه رژیم پلیسی شاه - ساواک را شروع کردند . ضمن سخن شعارها چندین نفر با صدای بلند اعلام داشتند که ساواک بدستور و توطئه شاه علی شریعتی را همانند جلال آل احمد و صد بهرنگی کشته است . این تظاهرات به خیابان ارک کشید و همزمان با آن دهها - پلیس ماسک دار به مسجد و تظاهرات کنندگان حمله ور شدند و ضمن مجروح کردن جمع زیادی ، حدود صد نفر را دستگیر کردند و با کامیون های مخصوص بودند که از سر نوشت آنرا ایلامی در دست نیست . رژیم بارور شدن با این خشم مردم و همدیگان وسیع قشرهای مذهبی ، روز بعد اعلام داشت که مجلس ختم دکتر شریعتی که تاریخ آن در روزنامهها روز پنجشنبه دوم تیر

نامه‌های اعتراضی

۱

بنفع آن جمعیت حرف زده بود هاند و از آن به بعد هیچ وکیل مدافع نظامی جرات نمیکنند که بنفع موکل خود بیان و دفاعی بکنند .

... در همین موضوع شکیجه زندانیان و بد رفتاری با آن آن که زبانه زده و عام شده و کلیه خانواده‌های زندانیان به ملت سوء رفتار و عمل مأمورین با خود آنها و با زندانیان ناراحت و معترض هستند اگر زندانیان در اختیار ادگستری بود و دادستان میتوانست بوظایف قانونی خود عمل کند - چنین صائلی پیش نیاید یعنی اصلا اگر ادگستری قدرت و استقلال داشت از وضع و تصویب قانون تشکیل محاکم نظامی و انجام محاکمات سیاسی در آن دادگاهها مانع نمیکرد و از جریان این همه محاکمات خانمان بهادره و ضرر و صیقل برای مردم بیچاره ایران جلوگیری می نمود .

... تبلیغات فریبنده و هدف‌های اغفال کننده و دلخوشی‌های بی اساس که بصورت نشر آگاند بیبضیر و ضحرف کننده جامعه در آمده است جرچ قابل تعقیب میباشد ، سالهاست که مردم را با همین هدف‌های پوشالی و ابداعاتی سراپا خلا و دروغ سرگرم کرده اند . یک روز برای فرهنگیان خانه میسازند و روز دیگر بکارگران نهیج مسکن میدهند روز سوم قراه و قه بات کشور را با آخرین وسائل راحت زندگانی مجهز میکنند و حتی بهشت تربیون مجلس و سما میکنند کشور ایران تا در سال دیگر بهشت خواهد شد و از این نوع ابداعاتی دروغ و فریبنده - اضال و شواهد بقدری است که میتوان کتابها از آن تدوین کرد .

... در ختام عرایض خود در صورتیکه اهل بحضرت سؤال کنند که علاج این همه درد و گرفتاریها در مملکت ما چیست عرض می‌نماید استقرار و تجدید حیات قانون اساسی کشور با انحلال مجلسین و تشکیل مجالس منتخب مردم و تفکیک و جدایی و استقلال کامل قوه قضاوتیه از قوه مجریه و انتخاب وزیر عدلیه و سایر مقامات قضایی از بین قضات بنا بر انتخاب خود آنان و لغو کلیه قوانین ناقض اصول مشروطیت چاره ضحصره بفرود بردنای کشور ماست و آن نیز مقدر نخواهد بود مگر اینکه فرمان انحلال سازمان اضیت و اطلاعات کشور را قبل از همراهی صادر فرمایند تا انتخابات و انتصابات صحیح و بدین اعمال غرض و نظر انجام گیرد .

در راه برانند اخستن رهیم استبدادی شاه

مستحک شوم

اخیرا احمد صدر دادستان سابق تهران و وکیل دادگستری و ناه سرکشادهای پشاه نوشته که در زیر بخش های از آن رای میخوانید :

در سالی که پیش از چند روز از آن سپری نشده دستگاری کشوری دو دفعه شاهد حمله اهل بحضرت بهاند گستر بود ماست که در آخرین دفعه حتی آجارا بهشت جنایتکاران نامیدند . قبات و کارکنان دادگستری از این تعبیر ناراحت شده و از خود سؤال میکردند که کدام جنایتکار واقعی بدستگاری معرض شده و از آن پاک و خزه خارج شده است - بعلاوه مگر دستگاه ادگستری جزئی از اجزای این کشور نیست؟ چگونه میتوان در گوشه‌ای از استخری که مطو از آب آلوده و سیاه رنگ است آب پاکیزه و زلالی حفظ نمود؟ یادار خطه‌ای از کشوری که خورشید آزادی بر او عدالت در آن فرو بر کرده و ظلمت خفتان بر آن سایه گسترده است چگونه انتظار - روشنایی سعادت و خوشبختی و تابش نور عدل و داد میتوان داشت؟

... قوه قضائیه کشور مطابق قانون اساسی ایران مستقل است و نباید متقی بهیچ یک از دو قوه مجریه و مقننه بستگی داشته باشد و این یکی از پایه‌ها و اساس مشروطیت ماست که سه اصل ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ مضم قانون اساسی قوای سه گانه مملکت را ناشی از طت و ممتاز و منفصل از یکدیگر تمیز کرده است . در اینجا این سؤال پیش می‌آید که ندایک از این اصول فعلا مجری است و طت در انتخاب یا انتصاب کدام قوه از قوای ثلاثه کشور خالت یا حتی نظارت دارد؟

... سالهاست که در کشور ایران دشمنی آشفتی ناپذیر و مبارزه بیگبری با اساس شخصیت و انسانیت بوجود آمده است و از طریق ارباب یا اغفال یا تطبیع بی حد و حصر و بهر صورتی از صوکه شده است سعی میشود موازین و موازین آدیت و شرف مردم و اساس اعتقاد و حیثیت انسان و شخصی از بین برود و علت این صاره بسیار روشن و واضح است چه صیبر مولود متفکر آفرین قاضی میکند : زیر دست و نوکری شخصیت وفادارتر و فرمانبردارتر میشود .

... میگویند در کشور ما حقوق بشر نقض شده است صرف نثار از امله و شواهد فراوانی که در نقض حقوق انسانی در دست است مردم بسیار واج و آتکار برتر بهیثم خدمت‌های به اتهام ایجاد جمعیت سیاسی در دادگاههای نظامی تحت محاکمه و تعقیب قرار گرفته و محکوم شدند و بلا تامله و کلای مدافع آنها را گرفته و آنها را نیز به یکسال زندان محکوم کردند و عنوان ضحک اتهام هم این بود که این وکلای - مدافع در دادگاه آن عده همین دفاع از آنها تبلیغ کرده و

۲

در زیر بخشهایی از نامه سرگشاده به شاه با اضمحالی دکتر سنجابی و دکتر شاپور بختیار و درپوش فروهر را میخوانیم: فزاینده‌گی تنگنا و نابسامانی های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان درونمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داده که اظهار کنندگان زیر بنا بر واپسینه صلی و دینی، در برابر خلق و خدا توجیه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده و مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از "ضوابط ملوکانه" داشته باشد تمسناسیم و در حالیکه تمام امور مملکت از طریق مقرر فرمانها انجام میشود و انتصاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب درک اقتدار شخص اهلید مرت قرار دارد که همه اختیارات و افتخارها و میانسما و بنا بر این مسئولیت ما را ضمیرا متوجه به خود فرموده اند، این مشروحه را اهلیرغم خطرات سنگین تقدیم حتم میمائیم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر طرف در لبه برتگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن بست کشیده نیازمندیهای عمومی بخصوص غوارویار و مسکن باقرضهای تصالحاتی بی نظیر دچار تالیایی گشته، کشاورزی و دامداری رو به نیستی گذارده و صنایع نوپای ملی و نیروهای انسانی در بحران و تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و ناپرا بری صادرات و واردات و حجت آور گردیده، نفت این میراث گرانبهای خدا دادی بشدت تهذیر شده، برنامه های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناگامانده و از همه بدتر ناپدید گردیدن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونت های سیاسی به حد اکثر رسیده و رواج فساد و فحشاء و تعلق، فضیلت بشری و اخلاق ملی را به تباهی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع، توأم با همه ناسامی و ادعاهای با بیان ناپدید و گزافه گویی عا و تهللیقت و تحمیل جشنها و تظاهرات نارنجائی و تهدیدی عمومی و ترک و ان و خروج سرمایهها و همسایان نسل جوان شده که عاشقانه د اولب زندان و شکنجه و مسرف میگردند و دست بکار عائی میزنند که دستگاه حاکمه آنها خراب از خیانت و خود آنها فد آگاری و شرافت مینانند.

این همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر باید به مربوط به اوز مدیریت مملکت دانست و مدیریتی که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاعنشاعی پیدا نرده است. . . بنابراین تنها راه بازگشت و زشد ایمان و شخصیت فردی و مضار و ملی و خلاصی از تنگنا و دشواریهایی که آئینده ایران را تهدید میکند ترک حکومت استبدادی، تمکین مطلق به اصول مشروطیت، احیاء حقوق ملت و احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد و

آزادی مطبوعات و اجتماعات و آزادی ژنڈ انیان و تبعید شدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که ضکی بر اکثریت نماینگان منتخب ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول - اداره مملکت بداند.

۳

و اینک بخشهایی از نامه سرگشاده سرهنگ بازنضمته سزیز الله امیر رحیمی به فرح پهلوی: . . . اکثریت کارندان و کارگران و حتی افسران شریف ارتش در آرزوی اجاره یک اطاق محقر و عده های غارتگر صسی میلیون تومان خرج گچ کاری قصرهای افسانه ای خود میکنند با تحقیق دقیق حقوق یک مدیر دبیرستان که دو بالاترین سطح در کادر فرهنگیان میباشد دو هزار تومان است یعنی یک مدیر دبیرستان پس از سه سال تمام اگر تمام حقوق اش را جمع کند میتواند یک متر زمین بخرد و حقوق تمام ایام خدمت سی ساله او قیمت ده متر زمین است که در آن دفنش کنند. و یک کارمند که ۴۰ ریال اضافه حقوق دریافت نموده پس از ۱۲۵ سال با این اجزافه - قوت یک متر زمین میتواند خریداری کند. آنوقت دولت از جوانان تحصیل کرده ما در خارج میخواهد تا بولین برگردند. یک مهندس که بولین بازگشته شاید پس از یک قرن اگر تمام حقوقش را صرفه جویی کند قادر به خرید یک آبارتمان سه اتاق باشد. با این وضع نه تنها حاصلین مادر خارج نمیتوانند بصیمن خود بازگردند بلکه مضرهای متفکر - افراد شریف ترك وطن میکنند و مادر وطن را برای آقایان رضائی و نیک پور و خیابانی و خرم و لاجوردی و نظایر آنها باقی میگذازند.

هم اکنون عده های در جنوب، شهر چین انسان اولیه در فارها زندگی میکنند که اینجانب حانرم علیاحمرت را با پسن غار ما را حنمائی کنم و مشتق غارتگر در شمال شهر قصرهای ۱۴ میلیون تومانی میسازند. قیمت زمین در مجاورت کشتار گاه تهران از زمین کاخ رئیس جمهور آمریکا و طکه آنکستان به مراتب گرانتر است. خرید فزل در بهترین خیابانهای نیویورک لندن و پاریس از بدترین محلات تهران به مراتب سهل تر است. این وضع ممکن نیست بتواند ادامه یابد.

نزه. او پیشگاه علیاحمرت استعدا دارم چند دقیقه تصور کنید نه خانواده سلطنتی خانواده یک کارمند و یا یک کارگزار است اهلید حمرت. خدایونی نه کارمند دولت و سرپرست خانواده اند برای اجازه اطاقی به بنگاه های معاملات ملکی مختلف سرزده و ناگام برگشته اند و منتظر فشار بیشتر صاحب خانه برای تخلیه اطاق اجاره ای خود میباشند. علیاحمرت (زن کارمند) برای بگرو گذاشتن تنها فرش بندرسی که زیر پا داشته اند به بانک

کارگشائی مراجعه کردند که متأسفانه بانک هم طبق اهلانی که هم اکنون نموده تا هشت ماه دیگر از قبول گروگان معذرواست زیرا انبارهای بانک پر شده .

والاحقرت فرحناز مرهینی و بدین دروآونده . در چنین شرایط والاحقرت ولیمهد فرزند ارشد خانواده که شامه درماندگی پدر ناراحتی مادر و ناله خواندر کوچک نمود میباشد و هیچ راهی برای نجات خانواده خود پیدا نمیکنند چه - حالتی دارند؟ آیا این خانواده هم وضع کشور خود را شکوفا و ترقیات آنرا معبرالمقول میدانند؟ و هنگامیکه فرزند جوان و حساس آنها در روزنامهها میخواند که عدهای غارتگر در - ساختمانها ۱۰۰ میلیون تومانی به عیش و عشرت مشغولند و عدهای با اسناد مالکیتی که بازوبند با تبتامعزاد درگرفته بدست آوردهاند بلبارد هاتومان بچیپ زده در اروپا و آمریکا خود و فرزندانشان به عیاشی مشغولند چه تصمیمی میگیرد؟ اگر از شدت عصبانیت به اعمال افراطی دست بزند تا نظام پوسیده اقتصادی دولت آقای همیدا را در هم بکوبد اورا میتوان - گناهکار دانست؟ آیا از جوانی که تمام درهما بوی او و خانواده اش بسته شده باید انتظار داشت که ظلم عظیم دولت آقای - همیدا را تحمل کند و ساکت شامه مرگ خانواده خود باشد؟ این غیر ممکن است . این نظام اقتصادی که عدهای غارتکنند و غارت عدهها مجبور باشند سکوت نمایند و سیاستگذار دولتی که چنین وضعی را بوجود آورده باشند قابل دوام نیست . کشور ایران امروز بهشت جنایتکاران شده و آنهاییکه هنوز بای بند شرف و تقوی و مذہب هستند خود را در جهنمی سوزان احساس میکنند .

... علیاحقرتا اگر در ایران آزادی بود و احزاب به معنای واقعی وجود داشتند اگر در ایران انتخابات مجلسین حقیقی بود و روزنامه ها مانند تمام دنیا ناشر افکار عمومی و مدافع حقوق مردم بودند مسلماً ناراحتی های جامعه و اختلاف سطح طبقاتی باین حد نبود . قطعاً علیاحقرت تاریخ را مطالعه و توجه داشته اند که قبل از هر فاجعه در کشورها بی اعتنائی بقانون و اختلالی شدید طبقاتی بوجود آمده کهصعبان عمومی را در پی داشته است . این برای همگان روشن است که امروز - قانون اساسی و حقوق بشر به بدترین وضع با تشنیل حکومت یک حزبی که مخالف قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است در صحن ما نقش شده و انتخابات مجلسین که توسط دولت آقای همیدا بعمل آمده هیچگاه مورد قبول مردم نبود است و این نقش قانون علت و ریشه تمام ناراحتیهای صحن ما است علیاحقرتا ملت ما لزناً داشتن آزادی رنج میبرد و فریاد مردم کهخواستار برکناری دولت آقای همیدا و انحلال - حزب خلق الثانیه رستاخیز و انتخاباتی واقعی هستند از هر گوشه و کنار بگوش می رسد . مردم خواستار آنند که بحساب درایی ونیز ، وکیل ، تیسار و سرمایه داران بزورک رسیدگی شود .

عموم مردم هم اورو حانی و بازاری و جوانان همه بانی - دانشگاهی همه یک کله را میگویند : آزادی . آزادی . آزادی . شعار تمام مردم ایران امروز یکی است یا مرگ یا آزادی که بحق در این راه هفده سال نهایت جسامت فدائاری میکنند . ملت ما آزادی میخواهد و دولت مخالفین را بیا کمونیست و یامارکسیست اسلامی معرفی میکند و مشتی کارهای ساختن راهنم پیشرفت معبرالمقول به جامعه ارائه میدهد ولی مردم معتقدند که کسی که آزادی ندارد هیچ چیز ندارد . آزادی را نمیتوان با اسفالت خیابان ، پل هوایی و ازاین قبیل کارها تمویض نمود . اطاق زندان را هر قدر تزئین کنند باز هم زندان است و قابل زندگی نیست چون در آن آزادی وجود ندارد . وقتی تمام حقوق جامعه از طرف دولتها پایمال شد عصیان ملتها حتی است و این اصل را همگان قبول دارند .

۴

اخیرا ناه سرگشادهای از سوی کانین نویسندگان ایران با اضا ۴ چهل تن از سرشناس ترین نویسندگان و شاعران و مترجمان کشور بخطاییده همیدا ، نخست وزیر فتنه شده که در زیر بخشهایی از آن میآید :

... نشر کتاب و به پذیر کلی ترویج هر نوع آثار فکری و هنری بخشی از سائله وسیعتری است که فرهنگ ملی نامیده میشود و چارمجویی درباره این سائله هم ناچار وابسته به اقدام و مشارکت فعالاننه کفنی است که در نار خلاقیات - فرهنگ و آفرینش فکری و هنری در صف مقدم قرار دارند و زو ارزشهای قوی یا ملی فرهنگ جامعه را با آثار خویش زنده میدارند . تفکر و چارمجویی درباره اینکه چرا چنین مشارکت فعالاننه و دربرگیرنده ملی وجود ندارد ، ما را برانگیخت تا چنین نامهای به هنر و آنجناب بنویسیم .

... فرهنگ و خلاقیات فکری و هنری در جامعه ما چار توهف و رکود شده است و حتی بهجرات می توان گفت که نشانه های بسیار نگران کننده ای از انحطاط فرهنگی نیز پیدا است که ابعاد آن هر روز گسترده تر می شود . به عقیده ما این وضع ناشی از عوامل پیشیا افتاده فنی و مالی در زمینه نشر کتاب نیست که در مجامع رسمی و دولتی عنوان می شود ، بلکه در درجه اول بسته به حدود بودن شدید شرایط تفکر خلاق و آزادانه برای نویسندگان ، شاعران ، اندیشمندان و کلیه کسانی است که در عرصه فکر و هنر صلاحیتی بالفعل بالاقوه دارند . سپس صریحاً به ظوابط شدید سانسور است که دستگاههای مختلف دولتی اعمال میکنند و صحن سائله در زمینه مشکل کتاب ناشی از محدودیتهای شدیدی است که در جهت مطالعه کتاب برای مردم اهل مطالعه ، بخصوص -

جوانان و دانشجویان به وجود آمده است .

محدودیتها ، فشارها و عواطف باو دارند های که در برابر خلافت فکری و فکری وجود دارد نفعها ناشی از مقررات و توافق قانونی و دموکراتیک نیست ، بلکه «القا دلخواسته» - دستگاها و اشخاص مختلف و ناشی از بی اهتتایی آنها به قوانین رسمی و آزادیهای انسانی است . با توجه به قانون اساسی که معرفی نظام دموکراسی و ضرورت کشور است ، رنگاشی به وضع موجود به جرات می توان ادعا کرد که از مدتها پیش کلیه مواجبه از قانون اساسی که ضمانت و تقویت ریشه های اصلی انگیزهها و محرکهای فکری و خلاقیت فکری بر شد و بلوغ سیاسی و اجتماعی جامعه است ، القا به وسیله دولت و سازمانهای تابعه آن به حال تعلیق و تعطیل در آمده است . نویسندگان و روشنفکران و اند اندیشه از نمونه تاملین قانونی و قضایی و سیاسی و اجتماعی ، معروضند و در برخورد با قهر حوامل دولتی و سانسور ، هیچ مرجع و تکیه گاه رسمی ندارند . چه بسا کسانی را میتوان نام برد که به جرم تألیف یا ترجمه و یا حتی خواندن کتاب سالها در زندان بسربرد هاند و می برند . عوامل اساسی خلاقیت فرهنگی و فکری و وجود شطنتهای سیاسی و اجتماعی و قضایی برای آزادی فکری و اندیشه ، و آزادی صادله ، افکار و تشکیل اجتماعات و چاپ و انتشار کتب و مجلات و مطبوعات جدی است که در قانون اساسی ما و ضم آن و اغلاصه جهانی حقوق بشر به وضع پیشین منسوخ شده است .

... متأسفانه آثار و علائم انحطاط و رکود فکری و نوازایی علمی و بی رونقی و وجود فکری به روشنی در جامعه امروز هویدا شده است و هر ایرانی علاقمند به سرنوشت ملی و قومی خویش را این انحطاط عمق تأثیرش در وضع اجتماعی کشور نگران کرده است . اگر بنا باشد که ما بعنوان ملتی آزاد و سر بلند و متکی بکار و فرهنگ خویش در جهان باقی بمانیم ، و میراث ملی و فرهنگی گذشته خویش را که در جهان درخششی کم نظیر را دو باسد انری کنیم ، ناچاریم که عدم پیشرفتیم و محدودیتهای موجود را بر داریم و با کار فکری و خلاق خود با تمام گروههای اجتماعی کشور ارتباطی سالم و اصیل برقرار کنیم . برای رسیدن به این هدف در چارچوب قانون اساسی کشور و حدود و شمار اغلاصه «حقوق بشر» ما ، آنگذندگان این راه تقاضا داریم :

- ۱- کانون نویسندگان ایران که رونوشت اسامنامه آن به بیوست تقدیم میشود و تقاضای ثبت رسمی آن شد مویر جواب مانده است ، بعنوان مرجع برای تصدیق افکار و روشنفکران ایران امکان فعالیت رسمی بیاید .
- ۲- هرگونه مانعی در راه تأسیس محل یا باشگاهی برای اجتماع اهله ای کانون در تهران و شهرستانها رفع شود .
- ۳- برای انتشار نشرهای جهت کانون و توزیع بلا مانع آن در سراسر کشور تسهیلات قانونی فراهم گردند .

رسوایی برق

تا آنجا که به ابوجات دست آموز و بلندگوهای هرزه در او شاهزده خیر میدهند ، اختلالات برق و خاموشی های مکرر و کنترل ناشدنی تاکنون به . . . کارخانه و مجتمع صنعتی کشور دره های بلخ کنندگی وارد آورده است . تنها در تهران ۱۸۰ کارخانه بزرگ بتدریج به بهانه تعطیلات تابستانی ، نار را توقف کرده و میکنند . صنایع کلیدی کشور در حال نیمه تعطیل اند ، در آنها واحد صنعتی در رشته های گوناگون به ویژه رشته های ذوب فلز ، شیمیایی و حرارتی بر اثر صرح و مرج در انرژی الکتریکی (خاموشیهای وقت و بیوقت و تغییر ولتاژ برق) خراب شده و خسارت دیده اند . میزان خاموشیها تنها در هرصه صنعتی کشور جلیبرد ها توان تخمین زده میشود . مرغداریها ، تولید کنندگان لبنیات ، سردخانه های مواد غذایی تولید کنندگان دارو ، بیمارستانها و مراکز درمانی (از جمله مراکز نگهداری خون و اندامها و لاله زخیره) ، کارخانه های - سیمان و مصالح ساختمانی و تأسیسات بسیار دیگر زیر ضربات و خسارات مادی و فنی (و نیروی کار معدوم رفته) کمر خیز کرده اند و بعضی از آنها در آستانه از عم پاشیدگی اند .

افتضاح کمبود برق و خاموشیهای طولانی ، اغلب با قطع آب در محلات مختلف شهر ، به ویژه نواحی جنوبی تهران و مراکز تجمع و تراکم زحمتکشان شهرها (چون گلی که همسره آراسته شود) کامل میگردد .

در گرهای طاقت فرسای تابستانی ، بیشترین فشار و ناراحتی را توده های زحمتکش و مردم عادی - بی حق و سندن و پارتی - تحمل میکنند . در این زمینه هم مانند زمینه های دیگر قانون رایج پارتی تبه تیض ، طولانی ترین ساعات خاموشی و - مشقه های آن را نصیب اکثریت زحمتکش و طبقات تهیدست تر میکند !

در این احوال ، شاه شاهان و خانواده نازک تراز گلش (لایه از غم ملت !) به کاخهای بیلاقی و صفای شمال بناه برده اند تا با قاپو قرانی و اسب سواری و هلیکوپترانی و شنا و قمار و . . . ناراحتیهای مردم را فراموش کنند ! و نفست وزیر نورچشمی دوران " انقلاب شاه علیه ملت " بزی چاره جویی این بخرنجی که کمتر نظیری برای آن در سالهای اخیر تصور است ، به جزایر بهشتی و خوش آب و هوای اروپا تفریف فرما شده اند ! ! این هم یکی دیگر از مظالم بیبوند بسیار بسیار همین شاه و ملت ! با بهران بیسابقه برق ، ناخوش تولید در سطح انواع - فرآورده ها ، بخصوص کالاهای مصرفی روز و مواد غذایی ، حدود نگران کننده ای یافته است . این کاهش از ۲۰ درصد کل تولید کارخانه ها آغاز میشود و بقول طاهر خیابانی رئیس انجمن بازرگانی تا ۴۰ درصد و به گفته وزیر صنایع و معادن تا ۶۰ درصد - میرسد و این در حالی است که ما حتی در مطلوب ترین موقعیت تولیدی خود وارد کننده بسیاری از فرآورده های مصرفی روزانه

نیروگاههای آبی برای کسوری بی آب

این از عوارض و آفات بدیهی ریحهای طغیان است که تصحیحات دولتی و ضعیف حکومت و سیاست های اداری و تابع سلیقه افراد و در حوزه نظرات خلق الساعه و افکار تنگ و محدود اعمال کنندگان قدرت باشد. نمونه بارز چنین - تبحر و آفتی را در سیاست انرژی دولت به روشنی می بینیم. سالهاست که کارشناسان و اهل فن فریاد میزنند که تسکین روی نیروگاههای آبی در کشوری که هر تمام طول تاریخش از کمبود آب رنج بردماست نه یک اختباه بلکه خیانت است. برای کشوری که دارای عظیمترین منابع نفت و گاز است، مظلومتر از نیروگاههای حرارتی تصور نیست. در اروپا و آمریکا با وجود وضع بارندگی و وجود منابع عظیم آب (و نه یک منبع نفتی) از نیروگاههای آبی تنها میتوان ذخیره استفاده میکنند. اما طراحان و نقشه ریزان ماکه جلاوتراز پیش خود را نمیتوانند ببینند و امید بند و بستها خارجی و ضایع حرکتها و انحصارات امریالیستی هستند نه به اقبای صالح ملی و بل به اصرار کارشناسان شرکهای لابی و آمریکائی نیروگاههای آبی را برای تأمین برق کشور تجویز کردند و با این خیانت ضعیف و زندگی مردم و گردش چرخهای مملکتی را به بارندگی های غیرقابل پیش بینی و بالا آمدن احتیاج آب در پشت سد ها مشروط نمودند. همین دلیل است که اینک با کاهش سطح آب در پشتسد رضا شاه (با ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات) و سد دز و سد محمد رضا شاه ابعاد فاجعه انرژی کشور بدتر شده است.

نیروگاههای آبی و آمریکائی از دولتی سر نفت ایران ما حرارتی هستند، اما نیروگاههای کشور نفت خیز ما در شرایط خشکسالی معمولی صنوائی و نیازمند قطرات آبی اند که ابرهای والپس باید ببینند.

چنین است معنای سیاست صفتل ملی به سبک شاهانه تازه رژیم خائن و جنایتکار شاه به همین هم بسنده نکرده است و نیروگاههای آبی را با آن مخارج افسانه ای در جهت امداد آبی تولید سیاسی - نظامی خود اما به حساب شروتج ملی بر یابد ارد که ایرانیم خود نیاز آنها را باید از کشورهای امریالیستی و باتمام وابستگی های سیاسی نظامی ناشی از آن تأمین کرد. تازه انرژی حاصل از این نیروگاهها ۳ بارگران تر از انرژی حاصل از نفت و گاز برای طتما تمام خواهد شد.

شاهشاهان که برای تحمیل سیاست انرژی خود به نفع شرکتهای خارجی و به طمع حق دلای و رشوهای کلان در این معاملات سنگلت و مرتکب جنایاتی به مقیاس تمام کشور شده اند است و باید مسئولیت تمام خطرات مادی و معنوی و جان های بیشتاری که در بیمارستانها و درمانگاهها بخاطر طرح و طرح بی فواید آنها و بهمهت بگیرد و حساب بایع حضرتالت و وطن فروشان و قانون شکنی را بسپارد.

از خارج هستیم. واقعیات دروغهای تیره ماههای آینده را از هم اکنون در برابر چشم ما تصویر میکند. طی یکی دو ماه آینده با نه کشیدن ذخایر آنها را و فروشگاهها و ساله کمبود و بازار سیاه بسیاری از محصولات که در مواقع مادی نیز با آن درگیریم ابعاد وحشی تر می یابد و باز مانند همیشه بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازارهای داخلی و افزایش نرخ تورم و گرانی زندگی صوت و کفر و بی زمین و کف کسان و بیوزگی کارگران و انکسیت کارمندان و بیش از پیش در معرض تحمیل و فشار جدید و انواع ضرورتها قرار بگیرد. سالهاست که در ازای صرف پیروزی، ثروت نفتی و انواع کامیونتها و تریلرها و هواپیماهای عظیم حمل و نقل و کشتی های باری و واگن های قطار، انواع محصولات را (از تخم مرغ و گوشت و روغن و کره و گندم و برنج و میز و سبب زمین و غیره گرفته تا انواع وسائل نقلی و صنعتی) از کشورهای و قاره های مختلف به ایران می آورند. (هفته ها است که تنها برای تأمین تخم مرغ که در روزانه کشور هر روز با هواپیما ۸۰ تن تخم مرغ از اسرائیل وارد میکنند و باز با کمبود وسیع تخم مرغ روبرو هستیم) ساله کمبود و کاهش تولید داخلی در چنین وضع و فزاینده است که با سایه روشن شوخی تکوین می یابند چرا که اسکله ها و کمرکات و انقب و سائل حمل و نقل زمینی و هوایی ما ظرفیتی بیش از این ندارند (باید بیاوریم که تنها در سال گذشته مادر حدود ۹۰۰ میلیون دلار، بلکه ۹۰۰ میلیون دلار هزینه سرشار و کشتی های منتظر رادر اسکله های ایران برداختیم) به این ترتیب کاهش عظیم تولید داخلی که باید با حجم غول آسای واردات خارجی جبران شود و معلوم نیست چگونه تأمین خواهد شد. (باید خوشبین بود و ۴ میلیارد کسری برداخت خارجی سال گذشته دولت راننده گرفت! از معجزات آریامبری نباید غافل بود!)

ساله قطعی برق صرف نظر از همه جوانب مصیبت بار و در عین حال افشاگرانه اش و به ویژه از این دیدگاه قابل تأمل بیشتر است که بصورت مرکز تقاطع همه معایب و فاسد احتیاجی و کمینگی و پوسیدگی وسائل و شیوه های حکومتی و عوارض اختناق و صفا - ست های تمدنی و ایران پر باد ده رژیم آریامبری در مقابل با واقعیات و مقتضیات جهانی و جامعه امروز ایران در آمده است.

بیش از آنکه ماجراهای ننگین و انگیزه های واقعی بحران ناگهانی برق را که رژیم پناخو جنبه های شدید افشاگرانه اش در کعبان آن میگذشت و بر ملا کنیم و بیش از آنکه جوانب گوناگون عوارض دانه دار این حادثه را در زندگی مردم و به ویژه طبقه کارگر ایران بررسی کنیم، ضروری است که به شرایط ناخفجاری که ترازوی برق و تمامی صائب و بلایای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه ما ناشی از آنست به اشاره و بطور گذرا نظر کنیم:

رژیم کهنه و نامعاصر

واقعیت این است که کشور ما تنهاست. در راه رشد سریع صنایع سرمایه‌داری گام نهاده‌است و این امر را با آشنگی شناختن آن می‌بیماید. سرمایه‌داری ایران که با تکیه بر ضایع طبیعی در آمد نفت توانسته است در باره‌ای او رسته تا حد انحصاری و نیه انحصارات رشد کند و با در هم جوشی و پیوند سرمایه با بانک و صنعتی و قطب‌های مالی بر قدرت ایجاد نماید و بر تندر از مسائل و عوارض رنگارنگی برای کشور ما به ارضان آورده و در مجموع سبب شده تا روابط و تقاضای اختصاصی - اجتماعی ما گسترده و پهن شود. رژیم سرمایه‌داری ایران بزرگ و مالکان عمده ارتزی (که در پیوندی با سرمایه‌داری جهانی یعنی - امریالیسم است) چون از های عفت سری عمه شئونات و امرهای حیاتی جامعه را در میان چهره‌های خود گرفته‌است و در باره پولوی به شاهه عفت سر این اودهای بر اشتها و سیری نابدیر عمل میکند. با اینحال نظر به پیچیدگی روند تکاملی - جامعه در شرایط سرمایه‌داری معاصر و شیوه‌های حکومتی غرب و دیکتاتوری شاه و خاصان و حاجبان و اهلوان و انصار او و دست‌نگاه‌های پلیسی و اباری و شوایت عثمانی و محل‌های حقنه آن به شدت با انواع واحوال امروز (هم در ایران و هم در جهان) ساز و نامعاصر شده‌است. این شیوه‌تنگ و محدود حکومتی رفته رفته بصورت سد و مانع اصولی دو جهت پیشرفت و تمحیق و گسترش صنایع سرمایه‌داری در کشور ما در آمده و از این رو محتوای روند سرمایه‌داری ایران با شیوه‌سیاسی حاکم بر آن به شدت در تناقض قرار گرفته‌است. رژیم در حالیکه از یکسو به کارگرها سواد و تخصص و گسترش شبکه دانشگاهی کشور برای تربیت کادر - وسیع مهندسان و تکنسین‌ها و مدیران و بوروکرات‌هایی که باید در جرخهای او را بگردانند در آورند و از لاره کنند نیاز ضد است و بخاطر خصالت عمده ارتجلی و خود ملی خود و از این بیشتر به اقتضای حکومت دیکتاتوری خود گامه فردی نمی‌خواهد و نمیتواند به دیگران اجازه دخالت و شرکت در امور مختلف اجتماعی و - اقتصادی و سیاسی را بدهد. سانسور و اختناق و ترور و لتن و گسترش شبکه‌های زندان و تکیه بر سر نیزه و با اعمال کردن قانون اساسی و غیره به تعمیم از خصالت دیکتاتوری فردی و شیوه معمولی حکومت هسیده و این شیوه آمکار با توسعه دانشگاهی - شبکه‌های درمانی و بهداشتی (چرا که سرمایه‌داری به نیروی کار احتیاج دارد و کارگرسالم و تندرست بهتر و بیشتر میتواند نیروی کار خود را به ثمن بخش بفروشد) و توزیع اختیارات و مسئولیت‌ها جایگزینی روابط ایجاد بنیاد و تاسیساتی کبر حرکت‌های اجتماعی - اقتصادی نظارت داشته باشد و از اینها نمدن ضایع طبیعت و رژیم آن بخاطر ضایع افرادی از آن طبیعت و رژیم جلوگیری کند و فرایم آوردن موقعیتی که شکات بین دولت و مردم تا حد مکن ریختنی شود و مردم در احساس کاذب - مشارکت در امور مطلق و نیروی کار بیشتری بنفع رژیم صرف -

نمایند و در تضاد و تناقض قرار گرفته‌است. در چنین شرایطی است که رشوه و ارتشا و فساد و دزدی و حیف و میل کردن ثروت‌ها و دارایی‌های عمومی و فرار از کار و مسئولیت و شیوع روحیه نااضی و دروغ‌ناشی و مج‌بزرگی و هنرگرنش کردن به‌صند عا و صاحبان صنعت و حرف‌زدن به جای عمل کردن و غلا - ناشی از عمل نکردن ربا تبلیغات و جابرو جنجال‌های کاذب و بی‌پشتوانه بر کردن روحیه سلط جامعه میشود.

در ارتش دزدی میشود و در وزارت بهداشت دزدی می‌شود و تنها در یک معاطه شکر در وزارت بازرگانی ۲۰۰ - میلیون دلار در جیب‌های عیق و پر نشندی فرو میرود و کم می‌شود و میلیون‌ها دلار بر سر روزمرترین و طبیعتی ترین معاملات مطلق بلعیده میشود. کارگر به‌اکراه کار میکند و کارمند به دلسردی و نوسیدی میگراید و به این جریان عظیم فساد - اجتماعی یقاعات میکند یا تمکن می‌نماید و با آن می‌آمیزد و قس‌هایی پیدا...

بله و دیکتاتوری که میلیارد‌ها به جیب می‌زند و تارک و ریشه فساد است و خود بزرگترین قانون شکن و بزرگترین دروغ گو است و نمیتواند بخواند (و البته نمی‌خواهد چون در آن صورت شرابا - صاعد برای ادامه زیست او از بین میرود) و انتظار داشته باشد تا دیگران دزدی نکنند و با فساد مبارزه کنند و هستی خود را وقف رژیم نمایند.

خلاصه کنیم: گسترش صنایع اقتصادی - اجتماعی جامعه با حدت و شدت با شکل حکومت فردی و دیکتاتوری شیفا شمیستی آن دچار نامازگاری عیق شده‌است. تگانهای ناشی از این تناقض و تضاد گاه و بیگاه بشکل گدیدی‌گی‌ها و رسوائی‌هایی در این سو و آن سو رخنه میکند و در نهایت چوب‌لای چرخ پیشرفت نیروهای حوله میکند. وقتی کار به آنجا می‌رسد که هر اثر سوء سیاست و دزدی و رشوه‌خواری نوکران و نمایندگان رژیم و برق سلطت دچار اختلالات عظیم میشود و دیگر نه تنها سرمایه دار ملی و نه تنها سرمایه‌دار وابسته به امریالیسم (کمبراد) و نه تنها سرمایه‌دار کلان بلکه حتی سرمایه‌داران خارجی هم که مستقیما به خوان بیضای ایران آریا مهر زده - دعوت شده‌اند و دچار زبانه‌های سنگت و خشم‌آور میشوند و ضرورت تغییر و تحول در این صنایع تنگ و محقر سیاسی را که این نوع بیماریها و عفونت عانت‌نجه ناگزیر آن است برونج در می‌یابند.

گاهی آتش آنقدر شمر میشود که آهیزبانی هم متوجه میشود!

حقایق پشت پرده اجسرای برق

ریشه‌های بحران کمونی برقی از سوء استفاده‌های جهوت‌کننده و دزدی و رشوه‌خواری در باره‌های وزارت نیرو در زمان وزارت روحانی آب می‌خورد. در جهان ایجاد شبکه سراسری برقی

توسط روحانی (این عضو فعال شبکه نیروی ضد بهائیت ایران) علاوه بر حیف و میل و دزدی‌های کلان و رشوه گرفتن‌های دوار انگیز و به‌شرفانه به‌جای وسائل و تجهیزات از آزمون گذشته و مدرن و در بسیاری از موارد وسائل و ژنراتورهای خریداری شده که نمونه‌های آن از دور خارج شده بود . بدیهی است این ژنراتورها که به بهای ارزان خریداری شده و باحساب سازی‌های و قبحانه به قیمت‌های گزاف به دولت قالب گردیده از همان روزهای اول قادر نبودند در حد اکثر ظرفیت خود نیازهای برقی مملکت را تأمین کنند . فی‌الطی از ۲۰ نیروگاه آبی و حرارتی کشور که حد اکثر ظرفیت آنها ۳۳۰۰ مگاوات است ما هرگز نتوانستیم ۲۲۰۰ مگاوات برقی مورد نیاز کشور را بدست آوریم . این واقعیت را حتی روزنامه دولتی کیهان در گزارشی که در روز اول مرداد ماه جاری به چاپ رسانده تأکید کرد : « کارشناسان برقی اظهار نظر میکنند که از ۱۸ سال پیش قدرت تولید برقی نیروگاههای ایجاد شده از میزان مصرف بیشتر بوده ، با این وجود در تمام این مدت با کمبود نیروی برقی روبرو بوده‌ایم . »

طبعی بود که وسائل و ژنراتورهای از دور خارج شده‌های که توسط دلالان شاه از جمله روحانی خریداری شد ، خیلی زود دچار اختلال شود . این حادثه مضمونی بود که از روز اول پیش بینی میشد . وقتی باره‌ای از تأسیسات از جمله ژنراتورها از کار افتادند و به وسائل یدکی احتیاج پیدا کردند ، یافتن ابزار یدکی آنها بسیار نبود ، چرا که این ژنراتورها دیگر در کشورهای تولیدکننده آن مورد استفاده قرار نمی‌گرفت و از دور خارج شده بود . از این رو ساختن وسائل یدکی برای شرکت‌های سازنده مقرون به صرفه نبود . برای ساختن اختصاصی وسائل یدکی مورد نیاز دولت ایران تقاضای ۵۰۰ میلیون دلار بول شده رقم سرسام آوری بود . کار به چانه زدن و کسب واکش انجامید و با خارج شدن هر ژنراتور از شبکه سراسری و از کار افتادن هر نیروگاه ، فشار شدیدی بر دیگر نیروگاهها وارد آمد که خود سبب فرسودگی و سرانجام اختلال وسیعتر در شبکه سراسری برق شد .

در حالیکه این جریان در شرف انجام بود کمیته‌های سازنده نیروگاههای ایران که علاوه بر سودهای هنگفت ناشی از فروشهای عظیم خود به دولت ایران ، هزار کارشناس و تکنسین خود را با حقوقهای گزاف (تا ۴ هزار تومان در ماه) به دولت ایران تحویل کردند ، دست به خرابکاریهای همدی در بعضی نیروگاههای ایران زدند تا ادامه حشر و کارشناسان بی‌کاره خود را توجیه کنند و نیز وسائل جدید را با قیمت‌های سنگین تر به‌جای وسائل آسیب دیده به ایران بفروشند . در این مورد به‌عنوان مشت نمونه خروار به چند مورد اشاره می‌کنیم . نیروگاه شهریار که ظرفیت آن بیش از ۶۰۰ مگاوات است یکبار به‌علت ورود اسید به یکی از دیگهای نیروگاه دچار

خسارات سنگین شد . کارشناسان این حادثه را عجیب و بی‌سابقه و عطی اعلام کردند ، اما ماجرا برود همیشگی شد . در نیروگاه ضحیل کمپا دو واحد خود در حدود ۲۵۰ مگاوات به شبکه سراسری برق میدهند ، چندی پیش یکی از تیرهای ۵۰۰ مگاوات به علت ایجاد ترک‌هایی در لوله انتقال بخار از فشار قوی به فشار متوسط از کار افتاد . کارشناسان این حادثه را نتیجه یک اشتباه خطرناک تشخیص دادند که بر اثر آن در پرده‌ها رسوب و در لوله ترک خوردگی ایجاد شده است . کارشناسان خارجی نیروگاه در بخش شیمی مسئول مستقیم حادثه اعلام شدند اما با وجود خسارات سنگین و ماجرا ماست طالبی شد ! در نیروگاههای دیگر کشور از جمله فرج‌آباد و طرشت نیز حوادثی از این قبیل که مشخصین و بازرسان ایرانی وزارت نیرو در گزارشهای خود آنها را خرابکاری یا سهو مقرون به خرابکاری تشخیص داده‌اند ، نظایر زیادی دارد که بخاطر تعاریف فنی آن از ذکر یکایک آنها می‌گذریم . فقط به این نمونه بارز خرابکاری در نیروگاه طرشت اشاره میکنیم که به‌علت آن خسارات سنگینی به نیروگاه وارد آمد و پس از تحقیق معلوم شد که مقدار زیادی شن در صافی‌های بخار تیربین ریخته‌اند . در این نیروگاه چند لوله و دیگ بخار منفجر شد . دلایل این انفجارها و نیز نواصی دیگر این نیروگاه نیز هرگز افشاء نشد و پرونده آنها با یگانگی گردید . و اینک نسبت نیروگاه رخا شاه است به آبرویزی کرامت انگیزی به مقیاس همه‌خاوشی‌ها و تاریکی‌های وسیع کشور



خیانت به ضایع و صالح طی هر روز مرزهای وسیع تر و کیفیت ته‌بکارانتموی پیدا میکند . برای رژیم که سرسپردگی به امپریالیسم و شرکت‌ها و انحصارات و سرمایه‌های خارجی را با همان شدت و اعتقادی دنبال میکند که صیقل پرستان و آزادپخوان را به زندان و شکنجه‌گاه می‌فرستد و هر خواست و آرزوی شریف و انسانی و هر مطالبه توده‌های را با خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین اسلوب و وسائل سرکوب می‌نماید ، بایان کار فراموشد . او باید در باغلاق همی گدیده و خویشت و در تلاطم تضادهای سبکین و تناقضات رژیم که خود آفریده فرق نمود و جنزیه دان تاریخ بپفتد تا بحوان برقی و عناصر شوم آور آن به اشکال و در زمینه‌های دیگر تکرار نشود . تحقیق این ضرورت تاریخی و طی درست هماواری با خطر روز حزب تسوده ایران است که تمامی طبقات و اقشار و عناصر صیقل پرست و در رژیم مطلق استبداد راه وحدت عمل در یک جبهه گسوده ضد دیکتاتوری فرا میخواند .

بحران برقی و بی‌آب‌های : ایامه خیز آن بار دیگر حقیقت و حرم بودن وظایفی را که در بانک این شمار صبح میزند - تأکید میکنند

توسط نمایندگان کارگری

در رابطه با بحران مسوق

بیش از آنکه ساله رسوائی برق بیش بیايد رژیم سد ملی و خمد کارگری تدابیری را در جهت تعدید استعمار کارگران توسط سرمایه داران بزرگ و صاحبان انحصارات زمینه چینی کند که اهم آن در مقررات انظباطی کار مقرر است . در رأس تدابیر جدید دلیل تراشی ها و بهانه گیری های بی منطقی بودند تا بتدریج سود ویژه کارگران را که حاصل مبارزات مستمر و بیگانه این زحمتکشان و بی نصیب ترین طبقه کسوف بود - باهمال کنند . از این رو برداخت سود ویژه موقوف به بازدهی کارو میزان سود دهی واحد تولیدی شد (که طبیعتی است با حساب سازبهای سرمایه داران و گسترش وسائل و شبکه های تولیدی آنها به حساب مخارج ضروری تولید دیگر محلی برای برداخت سود ویژه باقی نمی ماند) . ساله خاموشی های برق و کاهش تولید واحد های صنعتی کشور ، اینک بهترین بهانه را در اختیار رژیم قرار داده است تا توسط خمد کارگری خود را با قیافه حزبی جانی به مرحله اجرا درآورد . در ماجرای برق و خسارات و زیانها و آثار ناشی از آن همانند آنچه قبلا شرح دادیم بیشترین فشار بر زحمتکشان و به ویژه کارگران وارد خواهد آمد و به این ترتیب کارگران در معرض فشار دولا های قرار بگیرند که یکی از آنها ناشی از سوء سیاست و فساد رژیم و دیگری ناشی از اتمتهای سرمایه داران برای غارت و استثمار بیشتر است . زمره خود داری از برداخت سود ویژه از هم اکنون آغاز شده است و علاوه بر آن بیچ بچه دیگری هم در گرفته است . سلطات کار کارگران در پارهای از واحدهای بزرگ تولیدی از روز به شب منتقل شود . از آنجا که مزد سلطات کار در شب ۳۵ درصد بیشتر از روز است ، نمایندگان دولت و خطادای او کارفرمایان بوم خود این ضرورت را بیش کشیده اند که در شرایط اضطراری باید ۳۵ درصد اضافی کارمب حذف شود طبقه کارگرایان باید از هم اکنون خود را برای مقابله با این نوع وسیعنا آماده سازد . رژیم سرمایه داران داخلی و خارجی از کارگران بردگان کار ساخته است و اینک در تدارک آنست تا این بردگان را به بیگاری بیشتر و محرومیت جانگانه تر و دستمزدهای کمتر دعوت کند . تنها تفنگ و مبارزه اصولی بر موازین تجربیاتی که طبقه کارگرایان طی سالهای ضامی کارو بیگارند وخته است میتواند انواع توطئه های رژیم و دست بردگان و هپالکی های آنرا نقش بر آب سازد . رژیم برای جبران خسارات سرمایه داران عده در جریانی بحران برق ، بررسی طرح ها و تدابیری را آغاز کرده است (که بته های مخصوصی از آن در دولت و بازرسی شاهنشاهی برای ارزیابی و برآورد نهانهای کارخانه های بزرگ تشکیل شده ولیست بزرگی تا گین تهیه کرد مانند) . به الیگاری مالی ایران و سرمایه داران

بیراهین برخی مسائل کارگری

کارگران اتخان شود نتیجه کار آئین نامه انظباطی کارگران بود که اخیرا به شکل نهایی خود اعلام و منتشر گردید و دست سرمایه داران را از هر جهت برای اعمال فشار بر کارگران و تشدید بهره گیری از آنها باز گذاشت . قرار است در نخستین مرحله این آئیننامه مدت دو سال در مورد ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی کشور ، بیش از یک میلیون کارگر بحد اجرا گذاشته شود . مواد این آئیننامه تماما به نفع کارفرمایان و به خمد کارگران است و عرکونه عکس العمل و تمالیات لغتنامه و اختصاص کارگران را با توییح و تنبیه و کسر کردن دستمزدها و اخراج والته سرکوب و زندان پاسخ میدهد . کسوف رسیدگی که برای حل و فصل موارد اجرا بخدمت اجرای این مواد - پیش بینی گردیده نیز خود گویای ماهیت خمد کارگری این آئیننامه است . در این کجته منفرد نماینده مستقیم کارفرما (که برنده کارگری ، نماینده تام الاختیار کارفرما و عه بر فنی کارگاه) ود و نما غیر مستقیم او (نماینده کارگران) نماینده سندیکا - چرا که این دو نیز معمولاً تحت نفوذ و نظر کارفرما انتخاب میشوند) شرکت دارند و در نتیجه همه تصمیمات آن بی شک علیه کارگران خواهد بود . (ط در شماره های آینده موه به بررسی تفصیلی این آئیننامه خمد کارگری خواهیم پرداخت) .

سخن بوسر اتمتهای کارگری سال گذشته بود که یکی از خواسته های مشترک همه آنها انرا فند دستمزدها توجه به رشد سریع و بی بند و بار هزینه های زندگی و کاهش سطح زندگی کارگران و خانواده آنها بود . وزارت نایر اثر فشار جنبش اتمتهای کارگران مجبور به تجدید نظر در حد اقل دستمزدها شده و پس از یک رشته محاسبات من درآوردی و خروج (تا کارگران از آن سردر نمی آورند) آن را به ۱۵۰ ریال رسانید که با هیچ لغتنامه کارگران روبرو شد و در نتیجه وزارت کار در اواخر سال گذشته رسما اعلام داشت که در میزان رسمی حد اقل دستمزدها بزرگی تجدید نظر خواهد کرد ؛ با این هده کارگران سیاست صبر و انتظار پیشه کردند تا اینکه اخیرا وزارت کار حد اقل دستمزدها را ۱۸ تومان اعلام کرد که ختم کارگران را برانگیخت . چرا که در شرایط کنونی قیصها و گذران زندگی (هر چند محقر و فقر آسبز) با ماهی ۱۰ تومان برای یک خانواده حد اقل چهار نفره کارگری به هیچ وجه امکان پذیر نیست و این خانواده ها در واقع در معرض گرسنگی ، بیماری بی مسکنی و فقر و هژمان دانی هستند . در چنین شرایطی و بر او هر یک چنین رژیم بی مسئولیت و خمد مردمی کارگران ، چاره ای جز تشکل و مبارزه سنجید و عمامنگ صنفی و سندیکائی و سرانجا سیاسی برای استیقای حقین حقه و قانونی خود و در نهایت بر انداختن رژیم خمد کارگری موجود ندارند .

بزرگ به حساب طت و از خزانه او کطک میشود و اما بجای - جبران خسارات زحمتکشان و کارگران ، حقوق ناچیز آنها را محدود زند و برای یایان کردن مزایای اندک آنها توسط صرچینند این بی شومانه ترین نوع تمهیز و استثمار و غارتگری است زانوها و اها اتمتهای عجیبی دارند !

جنبش‌ها و مسائل کارگری

تعمیرات دائمی کارگران مبارز

تعدادی از نمایندگان کارگران شرکت نفت آبادان که سال گذشته موفق به یک اعتصاب سازمان یافته شده بودند و خواسته‌های خود را به شرکت نفت و ساواک قبولانده بودند هنوز در تبعید به سر می‌برند و اخیراً با آن که مدت محرومیت آن‌ها برای ورود به آبادان تمام شده است به خانسوارده آن‌ها اطلاع داده‌اند که اگر می‌خواهند آن‌ها را ببینند می‌توانند آدرس‌شان را از ساواک بگیرند و برای همیشه نزد آن‌ها بروند چون دیگر به آن‌ها اجازه ورود به آبادان داده نشده است. انتشار این خبر بین کارگران شرکت نفت موجب از خشم‌را سبب شد و است و هزاران کارگر استخار شده شرکت نفت این روزها به امید دیدار رفتاری آزاد و هاشم‌متخورد و با کینه‌های فراوان نشسته‌اند نسبت به ساواک و کارفرما به سرکاری روند.

در کارخانه از مردم دعوت کرده بودند که برای شرکت در جشن روز کارگر (اول ماه مه) به داخل کارخانه بیایند. در جریان این جشن‌ها کارگران طی سخنرانی‌هایی واقعه تاریخی اول ماه مه را برای شرکت‌کنندگان تشریح کردند و لزوم افشای همه کارگران را برای دفاع از حقوق خود یادآور شدند. از نکات جالب جشن‌های این روزها در قیاس بود که در بیشتر کارخانه‌ها کارگران تنظیم کرده بودند تا بلندگوها به دست عواملی از کارفرمایان نیفتد تا با شعارهای عواضریانه و احیاناً تبلیغ برای شاه و دارودسته او به خواست واحد کارگری که تاکید بر لزوم مبارزه طبقه کارگر برای از پس گرفتن حقوق‌شان است خیانت‌کنند.

اعتصاب کارگران کارخانه زاگروس

کارگران کارخانه زاگروس واقع در جاده کرج از روز یازدهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. خواست اصلی کارگران اعتصابی افزایش دستمزد در حد افزایش سرحد هزینه زندگی بود. کارخانه زاگروس پیش از ۸۰ کارگر دارد که در شیفت‌های مختلف در روز شب به کاری پرداختند. در این واحد صنعتی یخچال‌های یخ‌ساز و سردخانه ساخته می‌شود و از آن جا که انواع یخچال‌های بهترین این کارخانه که تمامی رستوران‌ها و لبنیات فروشی‌ها و واحدهای گوناگون صنعتی به آن نیاز دارند هفتاد و هشتاد درصد از آنها را تأمین می‌کند و تقریباً نوعی انحصار به وجود می‌آورد. سود زاگروس سرسبز است. و این امری است که کارگران نیز به آن واقف کامل دارند. در شرایطی که کازیر ۱۵ ساله زاگروس حد اکثر ۱۷۰۰ تومان در ماه عایدی دارد و کارگران تازه وارد روزانه بیشتر از ۲۰۰ ریال دریافت نمی‌دارد به اساس محاسبه کارگران سود کارخانه در سالها پیش از این به همین میزان است. اصل و برابری آنها بر ضرورت اساسی ارتقا دستمزد تا مسئولان کارخانه به طور متوجه در دسترس ریال به دستمزد کارگران افزودند. اما کارگران نیز برفتند و با توجه دادن مسئولان به سود کلان کارخانه و هزینه‌های سرسبز آرزوی در خواست ترمیم اساسی دستمزد می‌خورد را کردند. در پیشنهاد کارگران باعث اعتصاب شد. کارگران با لباس‌کار در کارخانه حاضر می‌شدند اما از کارسازایی رفتند.

اعتصاب کارگران کوره پزخانه‌های تبریز

چندی پیش در تبریز سه کارگر از کارگران کوره‌های آجر پزی و کارگران حمل و نقل آجر در تبریز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب وسیع در مناسب‌ترین فصل ساختمان‌باعت رکورد ناگهانی کارهای ساختمانی در تبریز و شهرهای اطراف آن شد. کارگران اعتصابی خواستار اندامه دستمزد بودند. آن‌ها می‌گفتند با این شرف و غنا که به عنوان مزد به آن‌ها پرداخت می‌شود حتی از سیر کردن شکم‌های خود و خانواده‌شان به آن‌ها نماند خالی و تهیه یک سرانه برای خانواده عاجزند. از نتیجه اعتصاب خبری نداریم.

کارگران اول ماه مه را جشن گرفتند

در روز اول ماه مه در حالی که ساواک با دعوت از عوامل خود و ترتیب دادن مراسم ویژه‌ای می‌خواستند تا به تجمعی کنند و سعی داشتند واقعه تاریخی مبارزه جوانان و الهام انگیز این روز تاریخی را لوستر کنند در ده کارخانه واقع در جاده کرج کارگران در پشت درهای بسته و در صورتی که فقط زده کارخانه‌ها با سخنرانی‌هایی نزد و یادآوری‌های اجتناب‌ناپذیر کارگران شیطانی و جشن اول ماه مه را برگزار کردند. در بسیاری از کارخانه‌ها کارگران با نصب یک اعلان بزرگ روی

آن روز به حساب او غیبت ضلوع خواهد شد و چنین کار آری باید برای آن روزه خانه اش برگردد. این جناب صراحتاً مستند ویرانده در روز این که کارگران به عنوان اعتصاب کم کاری می کردند و با برپا شدن جوی و دشنام یکی از کارگران اعتصابی را به باد کتک گرفت و به شدت مضروب کرد. این رفتار وحشیانه چشم کارگران را برانگیخت و آن بنا متقابلاً عکس العمل شدید تری نشان دادند و حتی از دستگیر شدن در پای ماشین ها سر باز زدند. کارگران حواله موتورز که در اعتصاب و اعتراض خود یکپارچه و مصمم بودند و پیش از تبدیل حالت نیمه اعتصابی به اعتصاب کامل و یکساز مهندسان اعتصاب شکن را که برای جلب نظر کارفرما در روز اعتصاب در سرکار حاضر شده بودند تنبیه کردند بودند. آن بنا مصمم بودند تا تحقق خواست های شان که اینک اخراج رئیس حفاظت کارخانه نیز به آن اضافه شده بود به صیقلی و خوبانامه دهند. از سرانجام این اعتصاب اطلاعی نداریم.

اعتصاب رانندگان

در اردیبهشت ماه رانندگان کامیون های شرکت تراپری متعلق به مازندران در شیراز اعتصاب کردند. اطلاعاً زیادی در باره این اعتصاب تاکنون نرسیده است. همین قدر می دانیم که افزایش دستمزدهای از خواست های اساسی کارکنان اعتصابی بوده است. کارگران را تنها از شرایط ناانگار کار و وضع بد زندگی افزایش سرما آبر و غیر منطقی قیمت ها و عدم توازن دستمزدها با هزینه زندگی به ستوه آمده اند.

اعتصاب در کارخانه های کفش فردوسی و فلز کار

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه کارگران دو کارخانه کفش فردوسی و فلز کار که در جاده کرج قرار دارند به عنوان اعتصاب به بدیغدا نهادن سرویس حمل و نقل و کمی دستمزدها دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. کارگران در خواسته های خود که تسلیم ناپایده کارفرما نمودند گواهی غیر قابل تصدیق میبایست که در سال جدید را ضمن مقایسه با حقوق و مزایای ناچیزی که دریافت می دارند تشریح کردند. طبق اطلاع رسیده این اعتصاب در روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه با توافق و قول مساعد کارفرمایان پایان یافته است. این موفقیت روحیه تشریک صاعی و مهارتجویی را در کارگران به نوبه چشمگیری تقویت کرده است.

اعتصاب کارگران سوزن

کارگران کارخانه سوزن موتورز واقع در جاده کسری که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی است از روز ۴ اردیبهشت ماه گذشته اعتصابی را که از بدتی بهر آغاز کرده بودند و وارد مرحله تازه ای کردند. آن امدت بود که برای افزایش دستمزدهای خود دست به یک کم کاری عمدی و آشکار زدند و به این ترتیب که در کارخانه و پای ماشین ها حاضر می شدند اما وقت تلف می کردند و به آنجا متعلق محصول کار را با همین می آوردند. کارگران می گفتند در شرایطی که قیمت ها روز به روز سیر صعودی می یابند و هزینه های زندگی با آنکه غیر منطقی و بیرون آوری بالا می رود دستمزدهای ناچیز اصلاً قادر به تامین مایحتاج اولیه زندگی خانواده ایمان نیست. کارگران تقاضای ۵۰ درصد افزایش دستمزدها داشتند. ما آنچه باعث شد که از روز ۴ اردیبهشت ماه کارگران حالت نیمه اعتصابی و دروا تبدیل به یک اعتصاب کامل و تمام عیار کنند و حتی از ایستادن در آن ماشین ها سر باز زدند و رفتار بود که رئیس کارخانه تا آنجا که نسبت به یکی از کارگران این ایسی پیش گرفت. رئیس کارخانه سوزن موتورز یک سرگرتشی است. او به اشکال مختلف کارگران را می آزارد. مثلاً بدتی پیش از این به مشاهده آن به کارگران اذیت کرد که سرگرتشی کرد چند دقیقه دیرتر از وقت عقرب در سر کار خود حاضر شود تمام

اعتصاب کارگران کشتارگاه تهران

در روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۰۰ نفر از کارگران کشتارگاه تهران که در قسمت باوکشی کشتارگاه کاری کنند دست از کار کشیدند و اعلام داشتند تا به وضع حقوقی آن ها رسیدگی نشود کشتارگاه را ترک کرد. کارگران اعلام داشتند که تعداد زیادی از آن ها با آن که بیش از ۵۰ سال سابقه کار در کشتارگاه تهران دارند هنوز روزانه ۳۰ تومان حقوق می گیرند و هیچ گونه تسکینی ندارند و در نتیجه از دیگر نتوانند کار کنند ویا مرگ به سراغ شان بیاید و زن و بچه شان تا سرگردان می شوند و باید از گرسنگی بمیرند. بسیاری از این کارگران در قسمت دلفی و پوست کشی کاری کنند. هنوز از نتیجه اعتصاب این کارگران اطلاعی

در دست نیت ملی این اعتراض آن‌ها با کمیاب شدن گوشت گاو در شهر ناعلا اساس شد و اکثر مشتری ناکه در مغازه های گوشت کافرونی با پاسخ ضعیف روبرو می شدند پس از بررسی و با توجه به اوضاع برای اعتصاب کارگران کشتار گاه مطلع می شدند .

اعتصاب کارگران چاپخانه مجله تاشا

در نیمه اول خرداد ماه ۵۶ کارگران و کارمندان چاپخانه و مجله تاشا (وابسته به تلویزیون) دست به اعتصاب زدند . علت اعتصاب برای مدت کوتاهی با این بود که دستمزدها و بیمه نبودن کارکنان بود . آن‌ها از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب یکسره کار می کنند و دستمزدها بسیار اندک است و کفاف مخارج زندگی آن‌ها را نمی دهد و تا زمان دستمزدها نیکه موقع بد آن‌ها پرداخت نمی شود . اعتصاب چند روز طول کشید و با پیروزی اعتصاب کنندگان پایان یافت . کارکنان موفق شدند . در حد اضافه حقوق به دست آورند و زمان کار را تا حدی کاهش دهند و از باب زمان کار اضافی اضافه حقوق دریافت دارند .

اعتراض نمایندگان کارگران

جلسه ماهانه هیات مدیره سندیکاها و اتحادیه های کارگری تهران با حضور مسئولان سازمان کارگران ایران دوشنبه دوم خرداد ماه تشکیل شده بود تا به مشکلات کارکنان رسیدگی شود . این جلسه به جلسه مشاجره کارگران با مسئولان سازمان کارگران و به اصلاح نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی بر سر دستمزدها و افزایش رسمی حداقل آن تبدیل شد . در این جلسه کارگران ضمن اعتراض به اصلاح نمایندگان شان در مجلس شورای ملی اظهار داشتند که بر اساس حداقل دستمزدها اخیرا اعلام شده است حداقل بولی که به کارگران قعلق می گیرد اگر آن‌ها هزار تومان در ماه بگیرند ، ۹ تومان است و از هزار تومان به بالا ۳۰ تومان تعیین آن می شود . در حالی که عده می دانند افزایش قیمت ابتدایی تیرماه به محتاج عمومی در ماه های اخیر به مراتب بیشتر از این مبلغ است . کارگران عرض با اشاره به این که با دستمزدها و افزایش آن در کشور نمی توانند یک ماه زندگی خود را بچرخانند و آن‌ها که به عنوان نماینده کارگران به مجلس راه یافته اند در کسب حقوق کارگران را در مجلس ملی و تشریح نمی کنند و دفاع از حقوق کارگران را فراموش کرده اند و هیچ وقت انگیز و محرومیت اکثریت کارگران را تشریح کردند . در حالی که این جلسه می رفت تا کاملاً متشنج بود رئیس سازمان کارگران ایران پشت میکروفون رفت و اعلام داشت که من و نمایندگان مجلس زیر نظر شاه انتخاب شده ایم . در این لحظه چند نفر از کارگران زبان به اعتراض نشودند که به این ترتیب کارگران در انتخاب نماینده خود هیچ نقشی نداشته اند یا باید داشته باشند؟ هیچ جوابی به این سوال داده نشد و جلسه در حالی که کاملاً متشنج و آشوب زده بود و نمایندگان اتحادیه ها و سندیکاها با یکدیگر بر سر مشکلات نامی از نمایندگان پیش از این روز وزارت کار به مدت از روزی کار آمدن آرزوی ساواک به طرف کارفرمایان بجهت می کردند . ادایه گفتگو به جلسه بعد موکل شد . تعدادی از نمایندگان اتحادیه ها و سندیکاها که ملازمین ساواک و یاجداتی کارفرمایان کاری کنند و نقشی دوگانه دارند اما فشار زندگی در مسال های اخیر باعث شده است تا آرزوی از اینان نیز سلبه شکوه بگشایند و زخمه اعتراض برودند .

اعتصاب و تظاهرات کارگران شهرداری زرفول

در حدود ۵۰ نفر از کارگران و رفتگران شهرداری زرفول در نیمه خرداد ماه به عنوان اعتراض به تاخیر پرداخت اضافه حقوق و مزایای خود و نیز توجه دادن اولیای امور به وضع نامساعد و رقت انگیز زندگی خود دست به تظاهرات زدند . آن‌ها در مقابل شهرداری اعتراض کردند و فریاد زنان از شرایط نامساعدی که در برابر دستمزدها تحمل به آن‌ها تحمیل شده گلایه و اعتراضی زاری کردند . اما این اجتناب سالست جوینان با دنبال پلیس متشنج شد و پلیس با خشونت همیشگی خویش کارگران و رفتگران را که جزاچار درد او و صایله خود گنا دیگری نداشتند متفرق کرد . در جریان این تظاهرات تعدادی از شیشه های ساختمان شهرداری شکست . رفتگران و کارگران از این حادثه آموختند که اظهار مسالمت آمیز سایل در مردمان و زحمتکشان در جامعه ای که اختناق آریامهروی بر آن حاکم است پاسخی جز سر نیزه ندارد .

کارگران برای دریافت سود ویژه مبارزه می کنند

به مدت ۳۰ روز دوشنبه ۳ خرداد برای رسیدگی به وضع ده کارگران چاپخانه ای تهران جلسه ای با شرکت نمایندگان ۱۲ هزار تارتو چاپخانه نمایندگان سازمان کارگران که همیشه طرفدار حقوق کارفرمایان است و به اصطلاح نمایندگان کارگران ایران در مجلس شورای ملی تشکیل شد . این جلسه به سرعت تبدیل به تریبون برای بیان شرایط دشوار کار در چاپخانه ها شد و سرانجام گفتگوها به قرارداد سود ویژه کشید که تمام کارفرمایان به استناد آفته های شاه که اصلاح

گذشته توسط سود ویژه را نرفته اند و در حالی که سود ویژه کارگران این کارخانه بین ۴ تا ۸ هزار تومان در سال است. خیلی کم دیدی که کارگران این محفلین کرده این است که کارفرما در لیست حقوقی کارگران بالای ۶۰ و ۷۰ تومان نوشته بود سود ویژه و کارگران با متوجه این خیلی نشده اند و یا خیال کرده اند که این برون علی الحساب پرداخت می شود. این اعتصاب کم کاری همچنان ادامه دارد.

اعتصاب کارگران کارخانه پلاستیک و کسار

اعتصاب کارگران کارخانه پلاستیک و کسار نیز با موفقیت پایان یافت این اعتصاب ۱۰ روز ادامه داشت و کارگران در سخت ترین شرایط اعتصاب را نشکستند. در اولیاء روز اعتراض به کمی حقوق زد و پرداخت سود ویژه مسرعتی که مسئول حفاظت کارخانه است کارگران را تهدید به اخراج کرد و اعلام داشت که کارگران معتد به ساوات مصروف می شوند. کارگران که از شرایط ناخوشایند شوارزندگی صفر زد و زن و بچه ایشان نسبت به خشکیس بودند به این سرفهت خطه فرسود و واپس از زن نطقه مضلی از در کارخانه بیرون انداختند و با صدای بلند اعلام داشتند کارخانه جای نمی است که بازویش را به کار گرفته است نه در رجه و قدرت بلیدی آنرا. کارگران در کارخانه ریستند و دست از کار کشیدند. بلافاصله کارخانه به محاصره درآمد و کارگران از بیم دستگیر شدن از کارخانه بیرون نیامدند. این اعتصاب ۱۰ روز ادامه یافت و در تمام این مدت زن و بچه کارگران که سختگران وضع آن بودند همراه کارخانه جمع شده و نان و پنیر و حلوا را که همراه آورده بودند لای نان پیچیده به داخل کارخانه پرت می کردند تا بفر و شوهر و فرزندشان به این وسیله مسدود می کنند. این مشرایک دشوار را کارگران به طور یکپارچه تحمل کردند تا سرانجام نمایندگان کارگران با کارفرما ملاقات کردند و پس از توافق بر سر افزایش دستمزدها سالانه اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و کارگران در حالی که ریش ایشان بلند شده بود و صورتشان از آفتاب سوخته بود از در کارخانه بیرون آمدند و به آغوش زن و فرزند و مادرشان که بیرون کارخانه انتظارشان را می کشیدند بازگشتند.

اعتصاب کارگران پتروشیمی شیراز

از اواخر مردادماه کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی و کارگری ایران است دست به اعتصاب زدند. در نتیجه کارخانه به حال نیمه تعطیل درآمد به اوری کنار بندی به شرحی که به تعیین آمونیاک مورد نیاز کارخانه نایب سازی کشور نیست. ظاهراً قسمت بزرگترین کارخانه پتروشیمی شیراز ۱۷۵۰ نفر

داشته است از واحد سود ندارد نباید سود ویژه پرداخت کند نمی تواند این دستمزدها را به کارگران بدهد. تا کنون در زند و اندک بزرگوار مقداری پول به عنوان سود ویژه به کارگران پرداخت شده است اما قرارداد قانونی آن امضا نشده و این هم برود دارد. شمار آینده این کارگران هم پرداخت نشود. کارگران تمام راه مایک با دستاورد هم شد کارگرو شاه را در بارزه بیکو و مشکل یافته اند. مثلاً زند صد کارگر با این گفته بزرگ و شمره از مدت تا پیش به دلیل بسته شدن قرارداد سود ویژه نوی اعتصاب را از یاد داده اند و با کم کاری کارخانه را جایز کرده اند. کارگران هم علی رضا تمهید داد و تحریک این کارفرمایان تا وصول همه موفقیت کامل. به این اعتصاب اعتراض آمیز ادامه دهند.

اعتصاب پیروز زند کارگران روزنامه انزلی

به دنبال جلسه ای که دو شبیه به خورد و برای رسیدگی به وضع کارگران این خانه های تهران تشکیل شده بود کارگران روزنامه انزلی که در حدود ۱۰۰ نفر است پس از دو ساعت کم کاری کردند تا کارفرما را حق دست راست بایشان کنند. و واسه کارگران اجازه دستمزدها سالانه بود که کارفرما از زیر بل آن شانه خالی می کرد و به اندازه چنانکه پرداخت آن را به تعویق می انداخت. به دنبال این کم کاری همسرای شد صبح روز ۱۳ مرداد جلسه ای با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما تشکیل شود اما این جلسه هم به نتیجه نرسید و در نتیجه کارگران برای مدت دست از کار کشیدند. به دنبال این اعتصاب در حالی که چهار روزنامه ای انزلی ساعت و چاپ روزنامه نیز بند ساعتی به تاخیر افتاده بودند نمایندگان سازمان کار نمایندگان کارگران با کارفرما جلسه مشترک تشکیل دادند و کارفرما به ناچار به واسطه دستمزدها کارگران کردن کار و نمایندگان کارگران و مشعل پیروز مؤداه افه حقوقی را به دلیل واحد این کار بودند و این مانگی در اعتراضات این گفتند. اکنون در این روزنامه جهت برت بین عدالت حقوقی برقرار است.

اعتصاب کارگران جابری نوشی

کارگران کارخانه جابری نوشی در تهران برای اعتراض به عدم پرداخت سود ویژه سالانه و عدم توجه به اعتصاب کم کاری را ساز و داده اند که مدت است ادامه دارد. کارگران این کارخانه در سال گذشته رانه ۱۰ تا ۷۰ تومان در لیست حقوقی کارگران منظور کرده و پرداخته است و الا که کارگران در واسط پرداخت سود ویژه سالانه و در ادامه اعلام داشته است

در دانشگاه‌ها چه میگذرد؟

اعتصاب در دانشگاه شیراز

در هفته سوم اسفند ماه گذشته دانشجویان دانشگاه کشاورزی شیراز دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. انگیزه اصلی اعتصاب دستگیری پندتن از دانشجویان همسنگ دانشگاه توسط اعیان ساواک بوده است. به دنبال اعتصاب ساواک عدای از دانشجویان را بازداشت کرد. در ضمن اعتصاب تراکت‌های افشاگرانه در میان دانشجویان پخش شده بود.

تهاجم پلیس به دانشجویان

روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت‌ماه گذشته پلیس به ناگهانی به خوابگاه دختران دانشجوی شیراز حمله کرد و پس از اخراج دختران صبحگاه را بگذاشت. اما که مانند همیشه با توهمین و اعمال و تاحات آمیز و ششونت همراه بود به دنبال اعتراض و اعتصاب دانشجویان ادبیات در پشتیبانی از دانشجویان دیگر به ویژه دانشجویان کشاورزی که از دست‌ها پیش در حال اعتصاب بودند صورت گرفت. دانشگاه کشاورزی در این تظاهرات و اعتراضات دانشجویان محل شدت داشت و اینک دانشجویان بلا تکلیف و استار کتایش دانشگاه خود هستند. اعیان و دوسرانه پلیس شاه و ساواک در تعقیب و بازداشت دانشجویان و تساهیل دانشگاه‌ها خشم‌انگیزاً شدید دانشجویان را برانگیخته است.

دانشجویان علیه رژیم اعتراضی کنند

در نخستین روز از اردیبهشت‌ماه دانشجویان دانشگاه فنی و دانشگاه زنگنه دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به شرایط زندان آبر ایران و رفتار پلیس، با کم‌بهر دانشگاه تهران و همچنین اعتراض به صدانه از پیش‌ماده‌های برای عوامفریبی به اصلاح به ابر طبقه‌تربیب داده بودند دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند و با دادن شعارهای صیقلی از دانشگاه بیرون رفتند. این اعتصاب و اعتراض‌ها

توجه به تجربیات گذشته دانشجویان از اعتصاب‌ها همیشه با حمله گارد دانشگاه و دستگیری و مرگ‌عده‌ای از دانشجویان همراه است. به صورت پراکنده و در زمانی کوتاه انجام شد و دانشجویان معترض به سرعت در اطراف دانشگاه حرکت کردند و پس از دادن شمارهای خبری در دانشگاه را ترک کردند. در همین روزها دانشجویان پلی تکنیک تهران نیز با همین روش نسبت به شرایط خفقان آور در ایران اعتراض کردند.

آوازهای حماسی عاشیقی‌های آذربایجانی

مردم از هر وسیله‌ای برای ابراز ناراحتی خود و افشای این رژیم بوسیده و دیکتاتوری و غارتگر و دعوت یکدیگر به اتحاد و مبارزه استفاده می‌کنند. این وسایل چه طنینی باشد چه مخفی بی‌شک نیمه مخفی فرقی نمی‌کند. مردم صدای دل و آمل خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهند. یکی از این جلوه‌ها برنامه عاشیقی‌های آذربایجانی است که در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ خردادماه در دانشگاه علم و صنعت برنامه‌ای اجرا کردند و استقبال شدید و هیجان انگیزی روبرو شدند. برنامه‌ای که توسط آنان اجرا شد آهنگ‌هایی بود که مضمون انقلابی داشت و مردم را به مبارزه دعوت می‌کرد. این برنامه شامل قسمت‌هایی از اپرای کوراولی و اشعاری از صمد بهرغون شاعر بزرگ آذربایجانی بود. در این برنامه دو خواننده و نوازنده به نام عاشیق یا شایر و عاشیق عبدالحسی نوری شرکت داشتند که عاشیق نوری در حین اجرای برنامه شعارهایی از این قبیل که با خود بگردانید هاتحاد داشته باشید عاشیق با خلق خود زنده است و یا توانه‌هایی را برای خاطر دوستانی که در میان مانده‌اند و به خاطر دست‌های پینه بسته گلرگون اجرا کرد. عاشیق مذکور در ترانه‌ای به نام ارس گفت: من هر نفسی‌م ز من و هم‌ماری از مرگ ندارم... و یا ارس توندانستی که رفیق ما را کشتی (اشاره به مرگ صمد بهرنگی) یا عمر دشمن سرچه کوتاه‌تر شود. یاران به پا خیزید... این عاشیق‌ها در روزهای ۱۸ و ۱۹ خردادماه نیز در دانشگاه صنعتی آریا مهر برنامه اجرا کردند. در هر روز اجرا برنامه در حدود ۱۰۰۰ نفر تماشاگر در سالن حضور داشتند و در روز پنجشنبه ۱۹ خرداد به علت کثرت تماشاگران برنامه در فضای آزاد دانشگاه علم و صنعت برای بیش از ۲۰۰۰ نفر اجرا شد. جوانان و دانشجویان با آوازهای حماسی و دعوت به مبارزه عاشیق‌ها شور صیقلی پرستی و انزجار خود را از شرایط ایران شاه زده به وضوح نشان دادند.

مردم ایران!

بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دوغمان شاه

مبارزه کنید!

جنبش ها و مسائل کارگری

از کار افتاد است. از نتیجه اعتصاب، نیروی در دست نیست.

اعتصاب کارگران شهرداری ها

هزاران کارگر سازمان های مختلف شهرداری ها بد علت قطع البسه و کتک مسیبه سالانه خود به مسدودت خوشگین اندوید به انجام منتهی به شهرداری اعتصاب کرد باند. بنابه يك سنت دیرینه شهرداری که طی زمان به صورت حقوقی حقه و مزایای مستمر کارگران زمینکن شهرداری نامدرآمده بونه هر سال دو دست لباس و دو جفت کفش به کارگران داده می شد. اما امسال ناکامان به این پیانده که شهرداری ها کمبود بودجه و افزایش هزینه روزمره و پرسنل خود روبرو است و این ببرد قطع شد و به جای آن تنها یک روپوش کاردر اختیار کارگران گذاشته شد. این اقدام خودسرانه

کارگران شهرداری را که از کمترین حقوق و مزایای شغلی برخوردارند و از زمینکن ترین رنجبران کشور ما هستند و اکثر آن روزانه حداقل ۱۲ ساعت به کار و امانه کارشای سرگرم اند و بیه اعتراض، فزاینده واداشته است. يك کارگر شهرداری ها سابقه ۱۰ سال کار مستمر حد اکثر ۱۰۰۰ تومان حقوق و مزایای ما بیانه دریافت می دارد.

در کارخانه کسروسازی شاهی حقوق کارگران را ایماال میکنند

در کارخانه کسروسازی شاهی که در اختیار ارتز است و محصولات آن نیز به ارتز اختصاص دارد و بابت این تیرین حقوق کارگران نیز شایسته نقد می شود. رفهر کارخانه سرنگی است به نام روشن که در خدمت و وفادارت شهرواست. دستباز کارگران بهین ۲۰ تا ۳۰ تومان است. باکوچکترین بهانها و کارگران را اخراج می کنند. کارگران بهمنیستند و برای این که مشول قانون بهمنشوند پیش از ایماال سه ماه کارگران را اخراج میکنند و کارگران تازه ای از بیما صفا طویل کارگران بیکاری که هرروز در طلبکار در جلو در کارخانه به انتظار میایستند، برای مدت کمتر از سه ماه استند امی کنند.

باز هم يك توله

در رشته های امیر ساواک اعلام می ای با اضمای "انجمن اسلامی دانشگاه تهران" پخش کرده است و در آن نشدار داده است که گرایش های کمونیستی باید پرهیز شود. جالب این جاست که تا کسرون چنین اندیضی وجود نداشته و هیچ دانشجویی با چنین نامی آشنا نیست و ضمنا اعلامیه در سطحی وسیع در دانشگاه پخش شده است و همین در میان دانشکده ای با مامور گاردی با نصب آن تاروی تابلو ساواک در ای دانشگاه تا مخالفتند ارد. این عمل همزمان با پخش اعلامیه های متعدد برای پیوستن به حزب توده ایران به طابیه تنها حزب واقعا انقلابی ایران و پخش نشریات حزب توده در سطحی وسیع رگم سابقه صورت می گیرد.

سازمان اضمت و اطلاعات کشور (ساواک) که عهد مشرین وسیله سرکوب خلق از طرف ارتجاع و امیرالهیسم است، باید ضحل گردد و عصال جنایتکار آن مجازات شو نسد

در دانشگاه ها پاره می گردد

تشنه دیدن شفقسان

شدت تشنه دریا تشنگان ما ایما کسردنای یافتناست. غیر می رسد که در کتابخانه این دانشگاه اصهبان ماموران شناخته شده ساواک بالای سر دانشجویان می ایستند و بوکتا خواندن آن ها نظارت می کنند و حتی گاهی کتاب را از دست دانشجویان گرفته و آن را واری می کنند. این اعمال اشتغاتی خشم و انتزاع دانشجویان را برانگیخته است.

خطبر زندان دانشجویان را تهدید می کند

با آغاز تدا ایلا تا ایستانی دانشگاه های جهان و باژگیت موقت دانشجویان ایرانیون تقیم شان به وطن برای دیدن پدر و مادر و اقوامشان و ساواک در فرودگاه میرآباد برای دستگیری دانشجویان تهد اوزن وسیعی دیده است. در قسمت نمای مختلف فرودگاه ماموران ساواک آلپوم به دست مسورت دانشجویان را با عکس این که در دست دارند تبلیغ می کنند و باکوچکترین سوء ظن آن را دستگیر می کنند. در ایسین آلپوم عکس هایی جمع شده که ساواک در کشور های دیگسراز دانشجویان مختلف روزم گرفته است.

از گوشه ونگارگهر

حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

اعتصاب کارمندان دارایی

در اوایل اردیبهشت ماه همین ادارات دارایی وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان اعتراض به کمی حقوق خود دست از کار کشیدند. اعتصاب ابتدا از حوزه های مالیاتی غربتهای تهران شروع شد و پس از چند ساعت تمام حوزه های مالیاتی تهران را فراگرفت. این کارمندان معتقد بودند که افزایش غیر قابل تصور مالیات ۱۵۰ درصد به ما بدبین شده اند و گمان می کنند که احتمالاً ما این بار به جیب می رژیم بدر حالی که با این گرانی لاقوت نرسا وضع ما روز به روز بدتر میشود. اعتصاب حدود ۲۸ روز طول کشید و بدین نحو بود که آن ها در محل کار خود حاضر می شدند اما کار نمی کردند و به مراجعین می گفتند که ما در حال اعتصاب هستیم. طاهوران ساواک مدعی از کارمندان را انتشار کرده مورد تهدید و ترسارادند و می گویند که تعدادی از کارمندان را دستگیر کردند. کارمندان اعتصابی می گفتند که تنها واسطه تامین سکن و خوراک خانواده مان است. به دنبال سیاست ارتباب و بازداشت بد نتیجه نرسید و وزیر اقتصاد و دارایی (انصاری) قول مساعد داد که به خواست های آن ها توجه شود و در نتیجه اعتصاب در چهارم خرداد پایان یافت.

اعتصاب کارکنان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران

بجز از سه زار نفر از کارمندان و کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران و بانک بیمه ایران از ساعت ۸ صبح دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه به عنوان اعتراض به حقوق کم خود افزایش سرسام آور هزینه زندگی دست از کار کشیدند و به اعتصاب تشبیه در ادارات مختلف این شرکت و بانک دست زدند. کارمندان و کارکنان اعتصابی از تیل ازبید تنای انصافه حقوق کرده بودند اما شرکت و بانک بیمه ایران پراز گفته تا وده و سرترم آردن آن ها در اردیبهشت ماه اعلام داشتند با ۱۴ درصد اضافه حقوق و با افزایش حقوق است که پس از تصویب در هیات مدیره پرداخت می شود. کارمندان و کارکنان بانک و شرکت بیمه ایران با التزام این واقعیت که هزینه زندگی فقط در پناه و نه بلکه از سال جدید می گذرد آن نسان

افزایش یافته که کم آن ما را زیر بار خود خیم کرده است و تقاضای افزایش حقوق کردند و چون با مخالفت روبرو شدند دست از کار کشیدند. شرکت و بانک بیمه ایران که با سرمایه خصوصی اداره می شود همسال مهاجرین ما توان سود به جیب سرمایه نگاران آن می ریزد و از حمایت کامل دولت برخوردار است و همین صدمه یکی از دلایل کارکنان و کارمندان اعتصابی برای این افزایش حقوق بوده است. زیرا هم روزها سود سرسام آور و افزایش سرمایه گردانندگان بانک و شرکت بیمه ایران هستند. حقوق اکثریت کارکنان و کارمندان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران بین ۱۷۵۰ تا دو هزار تومان است. در اولین ساعات اعتصاب کارکنان و کارمندان شرکت و بانک بیمه ایران صدها متقاضی که برای انجام کارهای خود به این دو محل مراجعه کردند متوجه اعتصاب شدند و ضمن اعتراض با اعتصاب بین افزایش سرسام آور هزینه زندگی را تأیید کردند. خدلی مراجعین با کارکنان و کارمندان اعتصابی آن چنان وسیع بود که به دستور ساواک و گردانندگان و سهاظران بزرگ شرکت و بانک از داخل شدن مراجعین به ساختمان های بانک در خیابان سفیدی و شرکت بیمه در خیابان ایرانشهره ایرج و شعبه مرکزی و مابرای دولت جلوگیری کردند تا از گسترش اعتراض و پرخش اخبار مربوط به آن جلوگیری شود. سرانجام مسئولین مجبور به کنار آمدن با اعتصاب کنندگان می شوند همان روز دستور پرداخت ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان به عنوان علی الحساب به کارمندان صادر می شود و قول داده می شود که حقوق ها تا حد قابل توجهی بالا رود. کامیابی این اعتصاب به واسطه سازماندهی خوب آن به دست آمد و روحیه مبارزه جوانانه کارمندان را تقویت کرد.

اعتصاب غذا به خاطر آب

چندی پیش در مسکن جهرم گز استان کردستان مشاهده اعتصاب غذای تعدادی از اعضای شرکت تعاونی مسکن وزارت بهداشت بود. این عده به عنوان اعتراض به گرانی تصاعدی قیمت آب آشامیدنی که پرداخت آن خارج از توان مردم فقر زد و مسکن این منطقه است دست به اعتصاب غذا زدند. از سرنوشت آن ها اطلاعی در دست نیست. ساواک به شدت می کوشد تا اخبار مربوط به این اعتصاب در شهر پخش نشود.

مادران محکومین به اعدام

فازان التعمیل دانشنامه آذربایجان است. لازم به تذکر است که خرید آثار عقاری که از زمینین مهارز و توفی خواست است. اینها از این بازداشت شده و وقتیکه در زندان ساواک به سر می برد.

ساواک فعالیت خود را تشدید می کند

لیبر، سیاسی ایران برای هر بیشتر در تخاصی سطح و شئون جامعه زحمتکام زنجیرهای انتقاری اینها برناه وسیعی را به مرحله اجرا در آورد است. از جمله این برنامه ها افزایش فون الداده تعداد انجمنها، ای آفرین سیستم برای این ضابطه است. تلفات زیاد طامووان شهرستانی و سایر در برورد با نروه های، رنگی که کمتر به روزنامه ها راه میابد و حتی یک دهه آن ها منتشر نمی شود اما مردم در گوشه و کنار شهر هر روز در گرفته شده اند آن هستند افزایش شده است فعالیت که گردان نمای انقلابی ایران، لیبر را واداشته است تا کلیه افراد خود مستقیماً با سازمان های راهنمایی سرا با یو، سیم مینیز کند و آخرین رسایف و تکنیک را به کار گیرد. فاصله بین لیبر و شش رژیم با مردم روز به روز بیشتر می شود. این بود که چشم دشمن به نگاه می کنند و در همین حال این زمین از مردم کوچه ای ساواک اینان با فشار کمیته را ایجاد کرده با اسلحه کتومین کار در به امتناع برخورد می کنند. صلحانه تر سایه جانوری را که ببینند همه شایسته عالی کنند. با وجود اصرار شهرستانی به جلب افسران به کمیته مکتومین افسری است که بد این کار رغبت نشان داد. این اگر اه و انجمن با لقی افسران کار را به آن با کشانده که شهرستانی پسرای انتقال افسران خود به کمیته امتهازات و حقوق و ششیری تا بل شود. از جمله ده هزارریان به حقوق با آنه آن اناافه می نمود از امتهازات بی سابقه دیگری نیز برای ارتقاء درجه و امکانات عالی برخوردار می شوند. افسر را درجه دارو که در چهارده با سازان ای سیاسی و افراد چهارم کتومین حوثقیقی به دست آورد و اداری از کلان می گوید. با این همه کمیته برای افسران و درجه داران به صلح تکنیکی است. همه از آن روز گردانند. نقل وانتقال افسران و طامووان شهرستانی از شهرستان به تهران و نقاط دیگر در شرایطی معمولی بسیار دشوار است. اما اثر انسر یا ماموری، همه در کمیته ساواک راه میبرد. پس فاصله به صحن خود تقاضای این انتقال می یابد و در بخش انجمنی آن با مشغول کاری شود. این شد نیاز ساواک و شهرستانی را به اثرات جدید می رساند و نظا نشان می دهد که کمتر افسر یا مامورین در شرایط دشواری با در به شرف پند پیش میستی در ساواک و کمیته می نمود.

روز دوشنبه تمام اردیبهشت ماه در حدود ۲۰ نفر از مادران زندانیان سیاسی ایران به عنوان اعتراض به ستاکی و بی عدالتی ای که در مورد فرزندان زندانیان آن امان می نمود در برابر اداره دادرس ارتش (واقع در خیابان کهرز (چیر) اجتماع کردند. تبصیح این انبوه زندان زندیده که اکثر آن اسال کرده و پوشیده در جادرسپناه چهره غمزه سرد را همراه با بستنان افشا کورتگان درنده شان برای رسوایی رژیم و نظام از بصران در دست توان دبیر و دریند خود به امر رفته بودند. همگنان دادرس ارتش را واداشته تا به صورتیه با مکتومین سبب ارتش را برای بررسی وجود و تفسیر درباره راستی او، آن اعزام دارند. در راسه راستی مادران زندانیان آزادی شهری زندانیان قسری داشتند. اوه ای از آن آدر در دو سال است که مدت محکومینشان به پایان برسیده و هنوز آزاد نشده اند.

دیرتر راستی او، مادران مبارزه بود از بی بود شرایط ملاقات زندانیان و دادن اجازه ملاقات به ساواک و برادران زندانیان که بدستی ترمیمیه بیست سال در زندان شهرستانی قانع شده است و تجدید نظر اساسی در مدت محکومین، از بی رویه آزادی است. پیداده از شاه مشکل نقل و نبات بر سر روزی شریف ترمیم فرزندان این سرزمین ریخته اند و بی بود تفسیر فتاوی زندانیان و مسائل دیدن در این زمینه ...

سرتوت ارتش و ربه ارتش خود تا مادران را متفرق کند و به اسارت بی روزمر آن ها شیره پالد و دندان نخود سپاه بدرستد همون نشد. اینجانب این انبوه پاک با دست زخمه ای شد دید آیزی به توان می رسید که در به دم اوج می نوقت.

سرانجام از آن دادستان ارتش به مادران خون داده شد که نسبت به تفسیر در خواست آن آن ا توجه دقیقی شود. هر آزاد زندانیان. در این مورد گفته شد که تکلیف مدت محکومین زندانیان را دادگاه انا ت بین رده اند. مادران گفتند کدام دادگاه دادگاه ایی که اگاضان بینایین به آن ادبیکه شده است. افسر شامفالا اندام دریا تانید بر بر آورده کردن دیگر واداشته از مادران ه آن ارارواشه کرد.

دستگیری و روانی این آزادیخواه

امیرا سر آفرین تاریخی نظام صمد عقاری باج در و ایپان تهران نیز توسط امان ساواک دستگیر شده است او

تسریر مخالفان ادامه دارد

اخیرا یکی از افسران شهرداری که جان نکرده است به طرف جوانی که ظاهرا فعالیت های پریمی داشته تسریر اندازی کند مسدود تعقیب قرار گرفته است. این افسر پس از تعقیب "چریک" مورد نظر خود راه از رسانده میهن اش راهی گیرد و سپرد دیگر مأموران سر می رسند و هر آنکه سلا حسی همراه نداشته دستگیر می کنند. اکنون افسر مزبور به این دلیل تعقیب شده است که چراه "چریک" نزدیک شده و او را قبل از آن که به هم برسند با کوله نر ده است. ظاهرا قبل از شناختن در این مورد ابلاغ شده است که هر فرد مشکوک را با تیر بزنند حتی اگر مسلح نباشد تا بعد در مورد تحقیق شود. از جمله دلایلی که برای این عمل عنوان کرده اند این است که اگر احیاناً "چریک" تیر اندازی کند و افسری بیرون می آید شهرداری تعقیب است و علیه مأموران تبلیغ می شود. ضمن آن که لزومی ندارد "چریک" تعداد زندانیان افزود شود مخصوصا حالا که تحت فشار عوامل داخلی و خارجی می گنجه محدود شده و مشخصه دستگیر شده است. این نیست اذلا عاشرها فاش کند.

جهانی بهایران برای دیدار از زندان های ایران وقت و گویا زندانیان رژیم دست به حمله زد پلانه و کشی می زند. قبلا - زندانیان زندان های مختلف تصور را آگاه می کنند که هیات صلیب سرخ به زندان قصر و آهنگر آمد و به زندانیان توصیه می نمایند که برای حفظ آبروی ایران از اقصیات مربوط به شکنجه و بد رفتاری با زندانیان و قتلانی از این قبیل با این هیات سخن نگویند. چند روز بعد یک هیات خارجی وارد زندان قصر می شود و به عنوان نمایندگان صلیب سرخ جهانی با زندانیان گفت و گو می کند. زندانیان تصور نیز توجه از جنایات رژیم می دانستند و شاهد آن بودند برای این هیات بازگو می کنند. دوسه روز پس از دیدار هیات کذایی مأموران شهرداری وساواک به زندان ها می ریزند و زندانیانی را که اقصیات زندان را برای هیات خارجی فاش کرده بودند احضار می کنند و به آن ها می گویند هیات مزبور نمایندگان صلیب سرخ نبودند بلکه عامل آن ها بودند نمبرای این که میزان "صداقت" و "صمیمیت" آن ها را روشن کنند با قیافه های مبدل به دیدار آن ها آمدند و با آن ها صحبت کردند. آنگاه تمام آن ها را که اقصیات شوم و جنایات آمیز رفتار رژیم را با هیات کذایی در میان گذاشته بودند به ساد کتک فضل می گیرند و بعد مای از آن ها را نیز به زندان های انفرادی منتقل می سازند. این نیزنگ بازی بی سابقه رژیم زندانیان را سفت تحقیر و شکنج کرد.

اعتصاب غذا در زندان تسریر

در نیندرم خورد ماه در زندان های سیاسی شماره ۳ و ۴ قصر اعتصاب غذا در میان گرفتار شدگان ای شروع شد که چند روز به طول انجامید. زندانیان سیاسی پس از تذکرات متعدد که برای بهبود وضع غذای زندان آن ها دیگر قابل تحمل نبود به مسئولان دادند عذرهای جزع اعتصاب ندهند. آن ها از اعتصاب غذا به عنوان آخرین حربه برای واداشتن زندانبانان به توجه به خراست ایشان از تقاضا کردند و ضمن این خواست مطرح کردند که باید در کرمان طاقت نرسای تابستان به آن ها اجازه دهند از پنجره ای استفاده کنند. زندانیان همچنین خواستار رفتار صلوات مناسب تری از جانب زندانبانان بودند. زندانبانان با توجه به دیدارهایی که اخیرا نمایندگان مراجع بین المللی کردند گاه از زندان های سیاسی به عمل می آورند و نیز یکبارگی و دیگری اعتصاب کنندگان راهی جز عقب نشینی نیافتند و به بدین در راست زندانیان سیاسی تن در دادند. به این ترتیب اعتصاب با بیروزی به پایان رسید.

اما بد رغم این تشبثات تنگین ساواک چه در تصور و چه در زندان تا از جمله زندان اوین زندانیان اقصیات جباری زندان ها و شکنجه گاه های عملی شاعران با هیات و اقصیات صلیب سرخ جهانی در میان گذاشتند.

چه هجوم و عشیانه ای!

چندی پیش کودتای شمال خیابان غار را خراب کردند و به عدای قلیلی از ساکنان این گود ها با کوس و کتک و چاقو و چنگال و تلبلیفات زیاد از آن آبارتخان های قوی کبری می معور دادند. اما بقیه کوی ویرانه های آلونک های خود هنوز در چادر سه سر می بوند.

از چندی پیش مجند شرکت بزرگ خانه سازی که بزرگترین آن ها وابسته به شاه بود قلا حرا است در نقاط مختلف شهر دست به ساختن آبارتخان زده اند. حالا هنوز آبارتخان گرم است و کرسی آنرا انکار بوی خون شنیدماند! چه هجوم و عشیانه ای! این شرکت ها که در یک به نوبی به دربار و کوسه های بزرگ و سیری ناپذیر مربوط اند و زمین ها و خانه های زمینکنان و افراد کم درآمد و تهید دست را از آن ها می گیرند و ظاهرا عنوان می کنند که این اراضی را می خرند اما این معاطله از نوع معاملات آن چنانی است که هم به زیر سر باز و سر نیز انجام می شود و هم قیمت های باورده از سوی شرکت های امین می گردد.

صحنه سازی های ساواک و دستاویز مبارزان در بند

مبارزان با آمدن هیاتی از جانب سازمان صلیب سرخ

بازهم تخریب سرپناه آلونک نشینان

در اوایل خرداد ماه جاری ماهوران شهر داری زنجان ۱۵۰ آلونک را در منطقه "زهرآباد" که در شمال شهر واقع است مهیون کردند. آلونک نشینان با قیافه های اندوهناک و خشم و انزجار ناظر تخریب سرپناه های محقر خود به وسیله ماهوران رژیم بودند. اکثر آلونک نشینان روستائیان می هستند که به شهرها رانده شده اند و در شهرها حیوانی تحمل ناپذیری به نام هزینه سکن روبرو شده اند. این آلونک ها در واقع سند نکبت ملی لیاضی می آبرویی رژیم است که ثروت های عظیم نفتی این کشور را جناح پتکارانه آتش می زند می آن که آن را در راه نیازهای واقعی ملک و ملت به کار می اندازد. بعضی از آلونک نشینان زنجان که می دانستند با از دست دادن سرپناه خود دیگر در تمام این سرزمین پهنای سستی روی سر آن ها و همسر و فرزندان شان وجود نخواهد داشت و در برابر مهیون ماهوران مقاومت کردند. زن ها گریستند و استفاک کردند و کودکان شمع سردادند اما این همه های رقت انگیز قایده اند این آلونک نشینان باز زهر رانده شدند و زمین هایی که کفتمی شود به اوقای تعلق دارد و از آن ها پیر گرفته شد. در حدود هزار ساکن آلونک های مهیون شده اینک در شهر زنجان سرگردان می خانمانند.

نفع جوی دربارستان حدومیزی نمی شناسند

بهرچند از شهرهای حاشیه کبریاست و سال ها است ۷ هزار جمعیت آنرا علم وزیر دربار در حال مرتکب شاه خاکسن (علم سرطان خون دارد و خیر موشی حاکی است که بیشتر از چند ماه دیگر زنده نخواهد ماند) تشنگانده و آبرابسه رویشان بستاست. ماجرا با انتقال سرپنازه بزرگی به بیرجند آغاز شد. هدف از انتقال این سرپنازه کعبه دستور طرح وزیر دربار صورت ترفرت رفت و آمد پدر و مادر سرپنازه و ورود خانواده اشراون در درجه داران به بیرجند بود تا قیمت املاک وزیر دربار بالا برود. با انتقال این سرپنازه به بیرجند آب شهر که بسیار کم بود به دلیل این سرپنازه منتقل شد و تا اسال نما است که مردم این شهر از ساعت ۹ صبح تا نیمه های شب آب ندارند برای ترشمن یک سطل آب باید مقابل سرپنازه خانه جمع شوند و به گروهیان تا التماس کنند. توطئه علم برای فروش زمین این در بیرجند به همین جا خاتمه نیافت. به دستور او یکی از باغ های شهر را غلامان به دانشگاه انحصار دادند. از این دانشگاه تنها ناضیر جلاست و کوچک توین شهری از آن نیست. یکی زمین نام و انحصار یافتن باغ به دانشگاه خیالی چند صد توطان به قیمت زمین های علم افزوده است.

یک نمونه عالی از این نوع مناسطه مد در صد عادلانه (۱) در کود خیابان قاریخ داد.

به امالی کود های شمال خیابان قاریخ لار کردند که نماند. نمایان را تخلیه کنند و ۱۵۰۰ توطان به بانک به بند تا شرکت آب رسانی در دولت آباد در اختیارشان قرار دهد. شرای خرید آپارتمان افروز و اجباری خانه های عالی و آن ها را به مقاومت واداشتند. یعنی آن نمای که خانه داشتند می بایستی قبالی آنه می خرید را تریل شرکت دهند و بعد از پرداخت ۱۵۰۰ توطان ده ده می بایست ما می ۱۵۰۰ توطا به شرکت بپردازند و بقیه قیمت آپارتمان را ما آنه شش صد توطان بدهند. دیگر این که پول خانه را بروقت شرکت تا بخوانند به امالی بپردازند. ابتدا امالی مقاومت کردند و خواستار آن شدند که شرکت تا خانه را از ایشان بخرند و پولش را بپردازند تا این خانیز آپارتمان را با پول خانه بخرند. شرکت های ساختمانی این راه حل عادلانه را قبول نکردند و برای تخلیه خانه از نیرو ای ناامی کمک خواستند. صد تا نظای صلح به کود ناریدند و تهدیدکنان امالی را مجبور به تخلیه خانه هایشان کردند. حتی بولدوز را فرستی به امالی ندادند که اسباب و اثاثه می فرزندان را تابلو بپردازند. خانه ها را در هم کوبیدند و اثاثه امالی به بیگانه بزرگ دادند. در این میان تا آن جایی که صلوات بکوبیدند زیر آوار ماندند. از تلفات جانی دیگر بزرگ نیست. این بیزنس وحشیانه که در چند نقطه به جفت تمام میاری بین امالی را مهیون کشید و نمونه

بسیاری دارد. یک نمونه بارز هجوم شبانه ماهوران به شهرک شمیران نواست که شهر آن زمین تودر نوید چاپ شد و طی جنگ و جدال آن عده زیاد تر کشته و مجروح شدند. و نسوز هجوم های دیگری به زلفه های ابراهیم میدان شهید و بالای تهران ویلا (حاشیه اتوبان)

بسیاری از این رانده شده های تمهید دست اینک در لانه های واقعا لانه که در حاشیه داده تدیم شهر ری میا کرد مانند مثل کرم و جانور در شام میولند. منظره این لانه ها در ریافتت شام نشانی و در کسری که می خواهد به تمدن بزرگ برسد و به انگلیس و آمریکا وام می دهد و واقعا تماشا می است. صد تا آلونک در صه قنوی با قنرا و ویو لیبی برپا شده و درست مثل قوطی های بزرگ فلزی و هروی سلف و دیوار ای آن برای جلوگیری از نفوذ آب و سردی تا یلین ای نگه بار میوشیده شده است. در این لانه ای بد تو از لانه هزاران زن و مرد و کودک در هم می لولند و نه بوقی و نه آب و نه بهداشتی و نه صد رسماً و نه هیچ چیز دیگر که یک انسان نیجه تمدن - نه تمدن - به آن احتیاج دارد. این است که منی تمدن بزرگ شاهانه!

سرنگون کردن رژیم استبدادی شاه
و گدازنده صومردم ایران است

کرنا و وقاحت دم از خوروت مبارزه باضاد و انقلاب اخلاقی
و مدنوی در جامعه می زند .

زندان پوشهر و تمبر افسانهای شاه

در بندر پوشهر و ساواک سرانجام ساختن يك زندان عظیم
است که با بتون بالا می رود . موزان با ساختن این زندان
که طعمه آن جز شویخ تومین نوزندان تلقی می ما نخواهد
داشت شاه در پوشهر يك کاخ افسانهای برای خود میسازد .
نقشه این کاخ را مهندس سرداران می پیمایشند و طرح
و جلوی طراحی کرده و ناظران ساختنی آن اسرائیلی
مستند . با این که در سال از آغاز عظیمات ساختنی این
کاخ عظیم می گردد و محمدا تنویر ساختن در مراحل اولیه
آن است . به طول یکی از مهندسين دست اندر کار همین
کاخ آن قدر مجهز و مدرن و بزرگ است که پایان ساختن
شاید به عمر شاه نگردد . در اطراف کاخ ساختن ای
مجللی برای رجال درباری نزدیک پشاه و اقوام ناموشها
پوشش بی نی شده است . ساختن این قصرهای افسانه ای و
پر تجمل در شرایطی که بحران مسکن و کمبود مصالح
ساختنی در بزرگ قشورها و گروه ها و ایقاقات مختلف جامعه
به ویژه زحمتکشان است بهیچانگی می آید که شاه خود
پسند و بود پرست را از صابلی مردم آشکارتر نشان می دهد .

ظواهر فریبی های مضحک

اغلب سفرهایی که از طرف دربار انجام می شود مانند
سفر فرج هن شاه به شهرهای مختلف با نفرت و تصخر
مردم روبرو و با ختم می شود . اگر مردم دربار این سفرها
هم بی تفاوت باشند کسانی که همراه مظلوم ها و
می افتند و ظاهرا محلی هستند به دلیل سابقه نفرت انگیز
که در محل دارند باعث خشم مردم می شود . برای نمونه
در سفر عصر شاه به فومن و ماسوله چند نفر از فوضی ها و
ماسوله ای ها بی که سال هاست این دوشهر را ترک کرده اند
و به دزدی و فرسودگی و خوارگی و غم مردمی و بیاندازی شهرت
دارند و ایشان را دوش به دوش همراهی می کردند و به عنوان
اعمالی فومن خورش آمد می گفتند و به اصطلاح را خنای می
می کردند . این در حالی بود که دستور شهر بانی محل ساکنین
شهر حق نداشتند از خانه هایشان بیرون بروند مگر آن ها
که با اجازت ساواک در کنار خیابان باید برای شهپان دست
می زدند . ظواهر فریبی آن قدر زیاد است که نگاه همه را
به خنده می اندازد . مثلا در رشت و فومن دو دختر چکمی
که از تهران آورد بودند به عنوان اهالی رشت و فومن به زن
شاه دست گل دادند و در ماسوله زنی را که ۵۰ سال پیش
فومن را ترک کرده است به عنوان زن نمونه فومن به او معرفی
کردند . همراه زن شاه لاشخیزهایی که مردم سایه آن ها را
با تیر می زدند دوش به دوش همراهی می رفتند و مردم دندان خشم
برغم می فشردند . در شهر رشت کنترل مردم توسط ساواک
آن چنان وقیحانه و سرسختانه بود که حتی وکلای رشت
و فومن و ماسوله هم به حریمی کساواک اطراف زن شاه کشیده
بود راه نداشتند و نمایندگان فراک (لباس مخصوصی با دم
بلند) به تن در خیابان های اطراف میدان بزرگ شهروین
طرف و آن طرف می دویدند تا بلکه راهی به میدان داشته
باشند و خود را به دسر عوام فریب شاه نشان بدهند . ولی
حده راه نایی که به این میدان ختم می شد توسط ساواک
بسته شده بود و نمایندگان مانند موشی که دنبال راه گریز
باشد در کوچه پس کوچه ها و میان های اطراف میدان
این طرف و آن طرف می رفتند مردم برایشان سوت می کشیدند
و هوسا می کردند و خرابی های آن ها می رسید مردم فریاد
می زدند : " وکلای دم دارا به بازی نمی گیرند " .

فروش سیمان در اندام بازار شاپور غلامرضا

قیمت رسمی هر کیسه سیمان ۱۴۵ ریال است اما سیمان
کیسه ای ۵۰۰ ریال هم به دستی به دست می آید . شاپور
غلامرضا و ایادی او و نیز تنی چند از رجال بانفوذ سا
استفاده از این سیاه بازار سیمان شروع به دوشیدن مردم و
سوء استفاده های گوناگون کردند . به این ترتیب که دلالان
شاپور غلامرضا که از دیگر در حفظ ظاهر هم نمی گزینند
با بی پروایی و وقاحت به دلالان از کسانی که ساختن ها
و تأسیسات آن ها به ناکارآمدی سیمان و دیگر مصالح
ساختنی در تهیه کار متوقف مانده و جواز تحویل سیمان
از کارخانجات سیمان را می فروشند . آن ها هر کیسه سیمان
۱۴۵ ریالی را ۳۵۰ تا ۴۵۰ ریال می فروشند و همه
خریدار می گویند از دلالان در مذاکره کمتری که بدخواه
می توانید مردم نیاز خود را تحویل بگیرید . بدینسان
کارخانجات که سیمان را به تن دولتی یعنی ۱۴۵ ریال به
مردم می فروشند و دلالان را تا عرقه کنند و مردم
از روی لاعلاجی به دلالان شاپور غلامرضا مراجعه می کنند و سه
تقریبی که آن ها به چشم آورده اند سیمان مردم را نیاز خود
را خود یاری می کنند . رسوایی این سوء استفاده نادیده
بر هیچ کس برنیده نیست . با شاه و وزیران همچنان با کوس و

در راه برانداختن رژیم استبدادی شاه متحد شویم!

مصیر شاه چگونگی میان مردم می رود

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه فرج مصیر عواطف بیدار شاه هاز مدرسه مذکور آمریکایی ها در ایران بازگشت کرد و در جشن پایان سال این مدرسه نیز شرکت کرد. با این که خبر این بازدید شرکت در مراسم پایان سال تحصیلی یکی مدرسه آمریکایی در ایران در روزنامه های درباری انعکاس نیافت اما ساکنین منطقه ای که مدرسه در آن قرار دارد از این بازدید مطلع شدند. ما بر از این قرار بود که چند روز قبل از بازدید به هم میزبان ساواک برای به اصطلاح پاکسازی محله ها و خانه ها را با مدرسه همراه در یکی از خیابان های فرعی خیابان فخر آباد تهران واقع است زیر رو کردند و در راه تمام ساکنین آن ها و خانواده شان تحقیق به عمل آوردند. در همین روزها به تعداد هم میزبان ساواک در این خیابان افزودند و شد و چندین تلیکوتور با ارتفاع بسیار کم بر فراز منطقه پرواز کرده و کسب عکسهای کردند. سرانجام روز بازدید فرارسید و از اولین ساعات روز تعداد زیادی از هم میزبان ساواک در خانه های مردم را زده و بدون اجازه به پشت بام ها و خانه ها رفتند و عکسهای زیادی بته با خود به پشت بام ها بردند تا زیر آن ها پنهان شوند. حضور آن ارباب با خانه های مردم پنهان از بازدید ادا باقیات و در تمام مدت بازدید به ساکنین اجازه ای از خانه ها خارج نشاندند. برای بسیاری از ساکنین منطقه که همیشه از ارباب رادیو و تلویزیون شنیده بودند که تا عصر مصیر شاه بی میان مردم می رود دیدن چنین صحنه هایی واقعا تعجب آمیز بود و برای اولین بار دیدند که مصیر شاه چگونه به میان مردم می رود.

مصیبتی بهداشت رایگان

در فصل سرما به ویژه روزهای تحلیلی که عده زیادی از مردم برای استراحت و استفاده از دریا به شمال می روند و هر روز عده ای در دریا قربانی می شوند. مثلا فقط در نوشهر روزی حداقل ده نفر غرق می شوند در حالی که نه از نجات خیریتی خبری هست و نه از آمبولانس و سایر وسایل امدادی. و سبب آن است که ارتش به نجات خیریتی موجود را برای پذیرش اختصاصی خوبا و حقوق و مزایا بیشتر جذب می کند و در مصیبتی بهداشت نیز که در همین روزها این به اثبات می آید برای استراحت به نوشهر می آید تمام اتوبوسها را روسای امدادی محدود بهداشت نوشهر را در دست اختصاصی خود و همراهِ آنها قرار می دهند و مردم پنهان در خانه ها و در مکان های پنهان دیده می آید که به بیمارستان چالوس برسانند که

تازه در آن جا به طاعت کعبه و وسایل و نبودن پزشک و در صد آن ها جان می سپارند. چنین است معنای بهداشت رایگان در عصر رستا نیز آری صبری.

تدریس فارسی با روش آمریکایی

امیرا تلویزیون آموزشی گروهی آمریکایی را استخدام کرده و به عریک طایفه درجه و درصت وزارت توپان به اضافه کلیه مخارج زندگی پرداخت می کند. بنا به گفته فردا صبا مدرس تلویزیون آموزشی این عده را آورده اند تا زبان فارسی را با روش آمریکایی از طریق تلویزیون به دانش آموزان ایرانی آموزش دهند! کلیه روش ها و اقداماتی که در تلویزیون آموزشی انجام می شود باید زیر نظر این آمریکاییان باشد. در حالی که عم اکنون در تلویزیون آموزشی ۳۸ تهیه کننده برنامه با درجات تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس و دکترای رشته های مختلف به کار مانده اند و در غرب امداد گذشته ۴ نفر از کارکنان تلویزیون آموزشی همراه با ۲۳۰ نفر از کارکنان واحد تولید کانال ۲ پس از بی نتیجه ماندن مدت ها اعتراضات و حتی اعتصابات به واسطه کمی حقوقی (حد اکثر ۲۱۰۰ تومان) و دیگر شرایط ناانگار کار استعفا دادند.

فاجعه تیر و تیرن

روز دوشنبه ۲۰ تیرماه تیر و تیرن مشهد - تهران در ایستگاه بهرام در ۲۳ کیلومتری تهران از ریل خارج شد و آتش گرفت. روزنامه های فرمایشی گوشه خندان مسئله را بی اهمیت و بی خطر جلوه دهند و در حالی که اخبار رسیده حاکی از آن است که تمامی واگن های قطار سوخته و تپها واگن آخر نیم سوخته است و حتی یکی از شاخه های ان همینی جسد نفال شده لگوموتور آن برآه چشم دیده است. مسئولان دولتی نگاه راه کردن سوزنیان و مقصد ایستگاه انداخته اند اما بنا به نظر کارشناسان مسئولیت این حادثه دلخراش که نین آن بیزار از صد نفر کشته شد مانند متوجه دولت بوزیر راه و ترابری آن فرح بخشیمان است که بدین توجه به نظر کارشناسان در مورد پوشیدگی ریل ها و لزوم تعمیر آن ها و به رغم انتظار آن ها در مورد امکان بروز سانحه قطار ای جدید را بروی خطان ریل های پوشیده به کار انداختند. فاجعه تیر و تیرن تهران مشهد بار دیگر مصیبتی گریه و غم مردمی زمامت اران جا برو فاسد کشور را نشان داد.

ایجاد جیبه عده یکتا توری
شروط اساسی برانداختن رژیم استبداد و شاهانست

سقف و پایه واپیهای نظامی در یک ماه

۱- در نخستین هفته تیرماه یک واپیهای نظامی (احتیاطاتوم) در ۱۰ کیلومتری بندامه کوه های جهان نما از توابع کردکوی سقوط کرد و سر نشینان آن کشته شدند.

۲- روز چهارشنبه ۸ تیرماه یک واپیهای فانتوم بر فراز پادگان جی در اراک تهرمان سقوط کرد و نهبان و کتک زدن آن کشته شدند و صوابیها به زمین بنشین و مهمات اصابت کرد و انفجار شدیدی را باعث شد که موجب ملامت عده زیادی گردید.

۳- یک واپیهای گرانبازار نظامی (اف ۱۴) چندی پیش در اطراف اصفهان سقوط کرد که مانند واپیهای نای قهلی خبر آن منتشر نشد. سر نشینان این واپیها نیز کشته شدند.

سقوط واپیهای نظامی در یک ماه صورت نظر از همه عوامل فنی رفیق فنی محاکمی از کشتن بی سابقه نظامیگری افسا کسبخته رویی است که ثروت های نامتانی کشورها با خریدن و انبار کردن انواع و اقسام سلاح ها برآید می دهند و ایران را به انبار عظیم و غنای اسلحه تبدیل می کنند تا بیشتر بتوانند نقش ژاندارم امپریالیسم را در منطقه و در جهت حفاظت از منافع غارتگران خود و حاکمان اینا کنند.

ثروت های ملی ایران بوسیله امپریالیسم بودریخ قارت میشود و به جای آن اسلحه و کالا های رنگ رنگ به بسیاری دهه دم گران تر در کشور انبار میگردد و ایستگن اقتصادی جانی برای استقلال سیاسی باقی نگذاشته است. غول امپریالیسم ایران را - پیش از پیش فرو میبرد. در این شرایط خاصوشی با همسین برستنی سازگار نیست.

برای رهایی همسین مبارزه کنیم!

برای سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری شاه

مقدمه سوم!

خبرهایی از نیروگاههای اتمی بوشهر

دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی اتمی که در ۱۲ کیلومتری بوشهر و در ساحل خلیج بریا میشود طبق قرار دادی که ایران با شرکت آلمانی کرافت ورك اونیون بسته است در سالها ۸۱-۱۹۸۰ به مرحله بهره برداری میرسد. قرارداد این نیروگاه را شرکت آلمانی مذکور در سال ۱۹۷۶ با دولت ایران بسته است و سرخ بر میگردد به شرکت آلمانی که پکی شاه یکی از سهامداران بزرگ آن است. ظاهرا هدف از احداث این نیروگاه تأمین نیرو برای کشور است اما با توجه به اینکه ایران دارای منابع عظیم نفت سرشار نفت و گاز برای تأمین نیروی ارزان قیمت است میتوان دریا که هدف از احداث نیروگاه مورد بحث دست یابی رژیم شاه به سلاح اتمی است. راکتورهای این نیروگاه ۱۹۳ مجتمع سوخت هسته ای دارند که ۱۰۴ تن اورانیوم غنی شده را در خود جا میدهند. از جمع حدود ۷۲۰۰ نفری که در نیروگاه کار میکنند ۹۰۰ نفر آلمانی هستند که حکم کارفرما را دارند و حضورشان در شهر کوچک بوشهر بخواهی احساس میشود. این موضوعاتی که با زبان آلمانی روی آنها شطرنج ارمی نوشته شده و چند روزی روزه آنها در شهر بازار بوشهر. حالا دیگر همه در بوشهر میدانند که نیروگاه اتمی در ۱۲ کیلومتری شهرشان احداث می شود و بسته و گنجهت چیزهایی پیرامین خطرات احتمالی آن شنیده اند. همه با نگرانی درباره آن صحبت میکنند اما اکثری از کم و کثیف آن خبر دارد چرا که کوشش زیادی برای پردامپوشی و جلوگیری از انتشار در گونه خبری به عمل می آید بطوریکه حتی خود کارگرانی که در نیروگاه کار میکنند در این زمینه چیز زیادی نمی دانند. از قرار معلوم برای ایامات سوخته شده نیروگاه هنوز هیچ برنامه ای وجود ندارد و قرار است تمام اورانیوم سوخته شده را که بی شک میتواند تا کیلومترها مایع اطراف را آلود کند و زندگی مردم را به خطر اندازد تا ده سال انبار کنند تا بعد در بارش تصمیم بگیرند. فعلا تمام برنامه روی تأسیس نیروگاه و دست یابی به نیروی اتمی متمرکز شده است و اندیشه حفظ محیط زیست و بیان مردم را در آن جایی نیست.

درباره مقدار پولی که برای تأسیس این نیروگاهها به آلمان فری پرداخت شده و میشود بندرت حرف زد میشود ولی گاهی از زبان مهندسين ایرانی شنیده میشود که ۴/۵ میلیارد دلار خرج تأسیس این نیروگاهها میشود تازه شرکت مورد قرارداد میتواند با توجه به تقیم جهانی درخواست پول اضافی هم بکند.

پیش بسوی ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری